

Research Article

***Differentiating the Spiritual Pillar of Environmental Crimes in the
Strategic Criminal System of Iran and the United States of America***

Hamed Reza Khatam Gooya¹, Gholamreza Peyvandi^{*2}, Seyed Hossein
Hashemi³, Mahdi Sheidaei⁴

Received: 2022/10/07

Accepted: 2022/12/19

Abstract

The establishment of guilt involves the traditional and fundamental assumption that criminal behavior must be accompanied by malice; however, what links the discussions related to the moral element of environmental crimes to strategic discussions in criminal policy is that the adoption and judicial interpretation of environmental criminal laws in some criminal systems (the opposite of the Iranian criminal system) has to some extent eliminated the traditional requirements of the moral element of the crime; in fact, the assumption is that traditional criminal law definitions of the moral element necessary for establishing guilt in environmental laws have tended to erode to some extent. This result is due to legislation and judicial interpretations and is attributed to the increase in environmental awareness in society and the emphasis on criminalizing polluting behavior, which itself is due to the influence, mixing, and difficulty in coordinating the regulatory (environmental policies) and traditional criminal areas; this is, in the opinion of some policymakers; The hierarchy created in the components of the spiritual pillar is in line with penal considerations and precautionary approaches, and by increasing the likelihood of conviction, the regulated society that includes the aforementioned strategy will become more cautious; however, according to critics, the application of such a strategy may cause the erosion of the moral blameworthiness of the crime, the confusion of civil and criminal issues, the injustice and uselessness and disobedience of the regulated society, and the increase in the statistics of environmental crime rates, which will be analyzed and consequently reduce the effectiveness of environmental crime control.

Keywords: *Spiritual pillar, environmental crimes, strategic system, criminal, criminal policy, Iran, United States of America..*

¹ - PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

² - Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. (Corresponding author)

³ - Associate Professor, Department of Law, Mofid University, Qom, Iran.

⁴ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran.

مقاله پژوهشی

مبانی فقهی حقوق اسلامی

افتراقی سازی رکن معنوی جرایم زیست محیطی در نظام راهبردی کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا

حامد رضا خاتم گویا^۱، غلامرضا پیوندی^۲، سیدحسین هاشمی^۳، مهدی شیداییان ارانی^۴

چکیده

احراز مجرمیت متضمن این فرض سنتی و اساسی است که رفتار مجرمانه باید همراه با سوء نیت باشد؛ با این حال، آنچه که مباحث مربوط به رکن معنوی جرایم زیست محیطی را به مباحث راهبردی در سیاست جنایی پیوند میزند این امر است که تصویب و تفسیر قضایی صورت گرفته از قوانین کیفری زیست محیطی در پاره‌ای از نظام‌های کیفری (عکس نظام کیفری ایران)، تا حدودی الزامات سنتی رکن معنوی جرم را از بین برده است؛ درواقع فرض برای این است که تعاریف سنتی حقوق جزا از رکن معنوی لازم در احراز مجرمیت در قوانین مرتبط با محیط زیست تا حدودی به فرسایش متمایل گردیده است. این نتیجه ناشی از قانونگذاری و تفاسیر قضایی است و به افزایش آگاهی زیست محیطی جامعه و تاکید بر جرم‌انگاری رفتار آلایندها نسبت داده می‌شود که خود ناشی از نفوذ، اختلاط و دشواری درهمانگ‌سازی حوزه‌های نظارتی (سیاست‌های زیست محیطی) و کیفری سنتی است؛ این امر به نظر پاره‌ای از سیاست‌گذاران؛ سلسله مراتب ایجاد شده در اجزای رکن معنوی همراستای با ملاحظات کیفرشناختی و رویکردهای احتیاطی بوده و با افزایش احتمال محکومیت، جامعه تنظیم شده متضمن راهبرد مزبور را محطاط‌تر خواهد نمود؛ این درحالی است که به نظر منتقدین، اعمال چنین راهبردی ممکن است سبب فرسایش خصیصه سرزنش‌پذیری اخلاقی جرم، خلط مباحث مدنی و کیفری، بی‌عدالتی و بی‌فایده‌گی و نافرمانی جامعه تنظیم شده و افزایش آمار نرخ جرایم زیست محیطی تحلیل گردیده و در نتیجه اثربخشی کنترل جرایم زیست محیطی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: رکن معنوی، جرایم زیست محیطی، نظام راهبردی، کیفری، سیاست جنایی، ایران، ایالات متحده آمریکا.

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
^۲ - استادیار، گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
^۳ - دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.
^۴ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

برائت یا تحمیل مجرمیت به متهم در تمامی جرایم از جمله جرایم زیست محیطی در کنار انجام رفتار فیزیکی با تمامی ارکان و شرایط پیرامونی پیش بینی شده برای یک جرم از جانب قانون گذار مستلزم رکن رکینی به نام عنصر معنوی است؛ در این میان و از یک سوی در پاره‌ای از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا رکن معنوی مورد نیاز جرایم از جمله جرایم زیست محیطی در چند سطح (وضعیت ذهنی) قابل تحقق بوده و به همان نسبت کیفر مورد نظر از عامدانه ترین حالت (عامدانه یا آگاهانه) تا انجام سوء رفتار مجرمانه در وضعیت ذهنی غیرعامدانه (بی پروایی یا بی مبالائی یا حتی مسئولیت فاقد تقصیر) رو به کاهش خواهد بود به نحوی که بنا بر ماهیت جرایم زیست محیطی و باعنایت به این موضوع که بسیاری از مرتکبین آن، سوء رفتارهای زیست محیطی را آگاهانه و نه عامدانه (با تعریف و تفکیکی که از دو وضعیت ذهنی مورد نظر در قوانین فدرال موجود است) مرتکب گردیده‌اند؛ تا جایی که چنین تفکیکی اولاً؛ با طبیعت سوء رفتارهای زیست محیطی منطبق بوده؛ ثانیاً؛ بنا بر سطح بندی و تفکیک بیشتر در حالات ذهنی مرتکب و تحمیل مجازات متناسب با سطح مزبور چنین تفکیکی همراستای اصول حقوقی همچون اصل تناسب جرم و مجازات خواهد بود. از سوی دیگر در نظام کیفری ایران نیز جرایم زیست محیطی اصولاً عامدانه و در پاره‌ای موارد با وضعیت ذهنی غیرعامدانه محقق شده و بعید است که بتوان قائل به مسئولیت مطلق و فاقد تقصیر بود. ثالثاً؛ احراز مجرمیت متضمن این فرض سنتی و اساسی است که رفتار مجرمانه باید همراه با سوء نیت باشد؛ با این حال، آنچه که مباحث مربوط به رکن معنوی جرایم زیست محیطی را به مباحث راهبردی در سیاست جنایی پیوند میزند این امر است که به شاید به سبب گرایش حقوق کیفری سنتی به اصول و راهبردهای مدیریتی و نظارتی احتیاطی زیست محیطی؛ تصویب و تفسیر قضایی صورت گرفته از قوانین کیفری زیست محیطی، تا حدودی الزامات سنتی رکن معنوی جرم را از بین برده است؛ درواقع فرض براین است که تعاریف سنتی حقوق جزا از رکن معنوی لازم در احراز مجرمیت، مانند «عمداً» و «آگاهانه» در قوانین مرتبط با محیط زیست به عنوان یک راهبرد افتراقی تاحدودی به فرسایش متمایل گردیده است. این نتیجه ناشی از قانونگذاری و تفاسیر قضایی است و به افزایش آگاهی زیست محیطی جامعه و تاکید بر جرم‌انگاری رفتار آلاینده‌ها نسبت داده می‌شود. Weidel, Ruth , Mayo, John & F. Michael (Zachara , 1991). به عبارت دیگر مهم است که در نظر داشته باشید که در نظام کیفری ایالات متحده (عکس نظام کیفری ایران که چنین جرایمی منطبق بر مفروضات سنتی حقوقی است) همه جرایم زیست محیطی نیاز به اثبات "سوء نیت" ندارند. برخی از قوانین مهم زیست محیطی (اگرچه محدود) شامل جرایم با مسئولیت مطلق می‌شوند که به هیچ وجه نیاز به اثبات قصد ندارند، و برخی دیگر مانند قانون هوای پاک و قانون آب پاک فدرال ایالات متحده شامل تخلفاتی برای رفتار سهل انگارانه هستند. به همین ترتیب، نظام قضائی با اعمال دکترین‌های حقوقی دیگر مانند دکترین جرایم رفاه عمومی (جرایم با مسئولیت مطلق) و دکترین افسر مسئول شرکتی، دامنه مقررات زیست محیطی کیفری را گسترش داده‌اند. به عبارت دیگر دادگاه‌ها نیز سهم خود را نسبت به تقویت قوانین کیفری زیست محیطی ادا نموده‌اند؛ دکترین افسران مسئول شرکتی^۱ به دادستان و هیئت منصفه اجازه می‌دهد تا "عوامل و افسران شرکت‌های مسئول"^۲ را در قبال جرایم یک شرکت^۳ با مسئولیت مطلق (فاقد تقصیر) تحت تعقیب قراردهد. دولت همچنین می‌تواند یک افسر (کارمند) شرکتی را در قبال ارتکاب جرایم شرکتی تحت تعقیب قراردهد، اگر افسر مزبور مسئولیت مستقیم در طرح شرکت در رفتار غیرقانونی داشته و بداند که این رفتار در حال وقوع است.^۴ نوآوری‌های

¹ - corporate officer doctrine

² - responsible corporate agents

³ - corporate liability

⁴ - if the officer both has direct responsibility in the corporate scheme for the illegal conduct and knew the conduct was occurring

قضایی نیز محکومیت یک شرکت را آسان‌تر نموده است. دادگاه‌ها از یک قصد جمعی^۱ یا معیار مبتنی بر آگاهی جمعی^۲ در ارزیابی مسئولیت شرکت‌ها استفاده نموده‌اند. تحت چنین استانداردی، یک مرتکب منفرد (شخص حقیقی) نیازی به داشتن عنصر معنوی و اجرای رکن مادی جرم به طور همزمان نداشته و در عوض، کافی است نشان داده شود که یک کارمند (یا یک کارگر صنعتی) واجد رکن معنوی لازم در تحقق جرم است؛ درحالی که دیگری رکن مادی رفتار را مرتکب شده است. استانداردهای سنتی مربوط به پاسخگویی و مسئولیت اشخاص مافوق^۳ نیز تحت "قاعده اجازه دهید مافوق پاسخ دهد"^۴ با مسئول ساختن یک شرکت در قبال اعمال کارکنانی که اعمالشان در حیطه وظایف آنهاست و به نفع شرکت است، دشواری محکومیت یک نهاد شرکتی را در حوزه محیط زیست کاهش داده است. (Yount, Joshua D, 1997) ; (John Kaplan, Robert Weisberg, Guyora Binder, 2012) ; (respondeat superior, law.cornell.edu, september 16, 2024). به نظر منتقدین در مجموع، دکترین حقوقی و منابع اجرایی مرتبط با حقوق محیط زیست کیفری در نظام سیاست جنایی ایالات متحده مجموعه‌ای از راهبردها و ابزارهای حقوقی را به دولت ارائه می‌دهد که شدیدتر و گسترده‌تر از ابزارهای موجود در تقریباً هر حوزه حقوقی دیگری است. در این زمینه حقوقی، آیا شایسته است که جرایم زیست محیطی از محدودیت‌های سنتی در قوانین کیفری مستثنی شوند؟ یا آن محدودیت‌ها به عنوان یک سیاست جنایی افتراقی صرفاً تشریفات توخالی و بدون اهمیت امروزی هستند؟ (Yount, Joshua D, 1997) در این زمینه ممکن است مخالفان و موافقان را یافت که چنین اقدامی را در راستای حفاظت از محیط زیست و حقوق عامه بستانید و نیز از یک سوی به سبب تمایل به خروج (حتی محدود) از معیارها و پیش فرض‌های سنتی حقوق کیفری، آن را خلاف اخلاق^۵ و عدالت^۶ (Wong, A. H. L. 2024) و انصاف و اصول حقوقی کیفری دانسته و با توسل به اصل تفسیر به نفع متهم (که در نظام کیفری ایالات متحده به قاعده تساهل^۷ معروف است)..... "قاعده ابطال قانون در صورت ابهام"^۸ و سایر اصول مندرج در قانون اساسی ایالات متحده در جهت خنثی‌سازی آن به نفع حقوق فردی و نیز حتی در جهت شکوفایی اهداف تولید و نیازهای صنعتی تلاش نمایند. و لذا در این جا تعارض و جنگ بین محیط زیست و حقوق فردی و بین محیط زیست و اهداف تولیدی، تجاری، حقوق صنعتی و رونق اقتصادی است که در مقابل هم صف آرایی نموده است. ممکن است کسی با استفاده از مسئولیت مطلق و جرم‌انگاری تخلفات نظارتی صرفاً به دلایل موجه مخالفت کند. مسئولیت کیفری و مجازات، طبق دیدگاه سزادهان، در غیاب سرزنش‌پذیری اخلاقی، قابل توجیه نیست؛ و سرزنش‌پذیری اخلاقی مستلزم ارتکاب یا تلاش برای ارتکاب آسیب یا شر محکوم و همچنین تقصیر کافی برای پاسخگویی اخلاقی در قبال رفتار است. اما حتی اگر کسی این مفهوم را رد کند که انجام عدالت و اجتناب از بی‌عدالتی به خودی خود ارزشی است که نیازی به توجیه بیشتر ندارد، فایده‌گرایی متعهد به کنترل جرم باید با استفاده از مسئولیت مطلق و جرم‌انگاری تخلفات نظارتی مخالفت کند؛ زیرا چنین رویه‌هایی اعتبار اخلاقی حقوق جزا را در جامعه‌ای که بر آن حاکم است تضعیف می‌کند و در نتیجه اثربخشی کنترل جرم آن را کاهش می‌دهد. با کاهش تدریجی اعتبار اخلاقی حقوق جزا، این سیستم به احتمال زیاد به جای رضایت و کمک، مقاومت و براندازی را القا می‌کند؛ در این بین شاهدان کمتر احتمال دارد که جرایم را گزارش کنند و به بازرسان کمک کنند. هیئت منصفه کمتر احتمال دارد که از دستورالعمل‌های قانونی خود پیروی کنند و بیشتر احتمال دارد که شهود خود را جایگزین کنند. پلیس و دادستان‌ها کمتر از قوانین

^۱ - aggregate intent

^۲ - collective knowledge standard

^۳ - standards of respondeat superior

^۴ - "let the master answer"

^۵ - برای آشنایی با شواهد تجربی مبنی بر اینکه استفاده از مسئولیت مطلق اعتبار اخلاقی یک سوء رفتار را تضعیف می‌کند؛ رجوع کنید به مقاله (Robinson, Paul H., January 2, 2017)

^۶ - Wong, A. H. L. (2024). Justifications for Imposing Strict and Absolute Criminal Liability, and the Case for a Halfway House Defence. The Journal of Criminal Law, 88(5-6), 358-373.

^۷ - Rule of lenity

^۸ - Vagueness doctrine

سیستم مزبور پیروی می‌کند و بیشتر احتمال دارد که از نظر اخلاقی، زیر پا گذاشتن این قوانین را توجیه کنند. شهروندان کمتر احتمال دارد که در مناطق خاکستری جرم به قانون جزا تمکین کنند و کمتر احتمال دارد که نگران اثر انگ‌زدایی ناشی از محکومیت کیفری باشند؛ و از همه مهم‌تر، مردم کمتر احتمال دارد که به هنجارهای قانون جزا تمکین کنند و آن‌ها را درونی سازند؛ به نظر این منتقدین حقوق جزا تنها در صورتی می‌تواند از نیروهای قدرتمند انگ‌زدایی، نفوذ اجتماعی و هنجارهای درونی‌شده بهره‌برد که خود را به عنوان یک مرجع اخلاقی تثبیت کرده باشد و استفاده از مسئولیت مطلق و جرم‌انگاری تخلفات نظارتی تنها می‌تواند این هدف را تضعیف کند (Robinson, 2011; Paul H., 2017).

۱ - عنصر معنوی جرایم زیست محیطی در نظام کیفری آمریکا:

در روزهای آغازین پیدایش جرایم کامن‌لا قضات اغلب رفتارهایی را جرم انگاری می‌کردند که عاری از هرگونه سوءنیت بودند. اما در دوره‌های بعد (یعنی از حدود سال ۱۶۰۰) این جرایم معمولاً با عباراتی تعریف می‌شوند که نشان می‌دهد علاوه بر فعل یا ترک فعل معین، سوءنیت مشخص نیز ضروری است. البته فعل و انفعالات ذهنی ضروری از جرمی به جرم دیگر متفاوت است. این اصل اساسی که برای مسئولیت کیفری وجود نوعی عنصر معنوی، ضروری است، در قالب این ضرب‌المثل لاتین بیان شده است "actus not facit reum nisi mens sit rea" (شخص، به سبب یک عمل گناهکار شناخته نمی‌شود مگر آنکه ذهن او گناهکار باشد). واژه‌ها و عباراتی که قضات در جرایم کامن‌لا، برای بیان ضرورت وجود سوء نیت به کار می‌گیرند، عبارتند از: ((با سوء نیت)) (به عنوان مثال در قتل عمدی، تحریق، تخریب عمدی)، ((به قصد تقلب)) (در جعل)، ((جنایت کارانه)) (در قتل ساده)، ((عمداً و از روی تباهی)) (در شهادت کذب) و ((با قصد...)) (مثل با ((قصد سرقت)) عباراتی دیگر که در سرقت ساده به کار می‌رود و عبارت ((با قصد ارتکاب جنایت در آن‌جا)) در جرم هتک حرز و ورود به عنف). (واین، آرفیو. ۱۳۹۰، ص ۱۲). البته امروزه بیشتر جرایم، در قانون موضوعه تعریف شده‌اند. در برخی حوزه‌های قضایی، جرایم کامن‌لا نسخ شده‌اند و در دیگر حوزه‌ها به ندرت استفاده می‌شوند. در تمام حوزه‌های قضایی، بیشتر جرایم کامن‌لا، وارد قانون موضوعه شده‌اند. به علاوه امروزه تعداد جرایم جدید مقرر در قانون موضوعه که برای کامن‌لا ناشناخته‌اند از تعداد نسبتاً اندک جرایم کامن‌لا که در اصل توسط قضات خلق شده‌اند، بسیار فراتر رفته است. (همان . واین، آرفیو. ۱۳۹۰، ص ۱۲) در رابطه با عنصر معنوی جرایم زیست محیطی پیش‌بینی شده در کد فدرال ایالات متحده، گفتنی است اولاً رکن معنوی جرایم مزبور در سه حالت ذهنی قابل تحقق می‌باشند و ثانیاً با توجه به این که متهم با کدام یک از این حالات ذهنی رفتارهایی را که ناقض اوامر و نواهی قانون‌گذار در قوانین زیست محیطی مندرج در کد فدرال ایالات متحده بوده است مرتکب شده است، مجازات تعیین شده متغیر خواهد بود. درذیل به بررسی این حالات ذهنی خواهیم پرداخت.

۱-۱ _ حالت ذهنی آگاهانه "Knowingly": قبل از تعریف اصطلاح آگاهانه شایسته است که تفاوت

این وضعیت ذهنی به عنوان یکی از ارکان و اجزاء عنصر معنوی جرایم، با حالت ذهنی عمد یا عامدانه روشن‌گردد چرا که گاهاً در قوانین، وضعیت ذهنی آگاهانه از عامدانه تفکیک شده است. در دیدگاه سنتی، عمد را طوری تعریف می‌کردن که علم را نیز در بر می‌گرفت و از این رو، معمولاً می‌گفتند وقتی فرد تمایل دارد که رفتارش به نتیجه‌ای خاص منجر شود و همچنین وقتی می‌داند که تحقق نتیجه در پی رفتار او اساساً قطعی است، عمد در آن نتیجه

^۱ - سه وضعیت روانی مزبور شامل حالت روانی آگاهانه، بی‌مبالات و مسئولیت مطلق می‌باشد، که البته (همان گونه که بیان خواهد گردید) با عنایت به این موضوع که تحت وضعیت به خطر اندازی آگاهانه، شخص خاطی در چنین وضعیتی آگاهانه با ارتکاب سوء رفتارهای زیست محیطی شخص دیگری را در معرض خطر و ریسک جدی قرار می‌دهد، چنین وضعیتی نیز در کنار سه وضعیت مزبور مورد بررسی قرار گرفته است.

2 purposefully

۱- چنان که ضروری است که مرتکب در ارتکاب رفتار مجرمانه عاقد بوده و آن را به عمد ((intentionally)) انجام داده و به عبارت دیگر ((عمد در فعل)) داشته باشد.

ارتكابی و نیز سایر عناصر و ارکان اساسی و شرایط پیرامونی جرم و آگاهی از عملاً قطعی بودن نتیجه‌ای که در پی رفتار وی محقق خواهد شد، مرتکب رفتار مجرمانه گردد، آگاهانه^۱ رفتار کرده است.^۲ در مورد جرایم زیست محیطی مقرر شده در کد فدرال، در رابطه با وضعیت ذهنی آگاهانه قابل ذکر است که بسیاری از جرایم زیست محیطی مقرر شده در آن مستلزم وضعیت ذهنی مزبور می‌باشد؛ به نحوی که استاندارد غالب عنصر معنوی جرایم زیست محیطی در حوزه فدرال مستلزم اثبات چنین وضعیتی است. به عنوان مثال جرایم پیش‌بینی شده تحت قانون فدرال هوای پاک (بند c بخش 7413 عنوان 42 کد ایالات متحده) و نیز جرایم تحت قانون حفاظت و احیای منابع (بخش 6928 عنوان 42 کد ایالات متحده) و جرایم تحت قانون فدرال حفاظت، تحقیقات و پناهگاه‌های دریایی (دامپینگ اقیانوس) (بند C بخش 1411 عنوان 33 کد ایالات متحده) و نیز شماری از جرایم مندرج تحت قانون فدرال آب پاک (بند c بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده) و غیره..... واجد چنین وضعیتی است.

۲_۱- **حالت ذهنی بی‌مبالات "criminal negligence"** باید توجه داشت که این مسئله هنوز محل اختلاف است که آیا براساس قواعد، می‌توان اشخاص را در قبال بی‌مبالاتی مجازات نمود. برخی گفته‌اند که تهدید به مجازات برای رفتار همراه با بی‌مبالاتی در بازداشتن افراد از این گونه رفتارها کارایی ندارد. وقتی فرد از خطری که ایجاد می‌کند غافل است، نمی‌توان انتظار داشت که با فکر کردن به مجازاتی که در صورت خلق آن خطر، انتظار او را می‌کشد، از ایجاد آن بازداشته شود. اما دیگران ادعا کرده‌اند که تهدید به مجازات برای رفتارهای خطرناک با این هدف صورت می‌گیرد که مردم را به تفکر بیشتر در خصوص خطرات ناشی از رفتارشان وا دارد. بنابراین این مجازات معمولاً به کاهش رفتارهای خطرناک و در نتیجه بهبود امنیت عمومی می‌انجامد که خود هدف مهم حقوق کیفری است (واین، آرفیو. پیشین. ۱۳۹۰. ص ۷۳ و ۷۴). هنگامی که عامل (شخص بی‌مبالات) باید از خطر قابل توجه و توجیه ناپذیر ناشی از اقدام خود آگاه می‌بود، درحالی که عامل، به چنین ریسک و خطری آگاه نیست به صورت بی‌مبالات رفتار کرده است. درواقع در این جا عامل، به خطرات آگاه نیست در صورتی که یک انسان متعارف معقول معمول در شرایط یکسان با عامل می‌بایست به این خطرات آگاه می‌بود. در اینجا نیازی نیست که متهم شخصاً خطر را درک کرده و نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ اگر رفتار او چنان انحراف شدیدی از رفتار انسان متعارف باشد که بتوان گفت انسان متعارف خطر را درک می‌کرد، در این صورت متهم، به بی‌مبالاتی کیفری محکوم می‌شود؛ (یعنی یک معیار عینی). (همان. واین، آرفیو. ۱۳۹۰. ص ۷۲ تا ۷۵). قانون مجازات نمونه در بخش (2). (2) بی‌مبالاتی را این گونه تعریف می‌کند: کسی نسبت به رکن اساسی جرم، با بی‌مبالاتی رفتار کرده که باید از خطر اساسی و توجیه ناپذیر وجود آن رکن یا وقوع آن در نتیجه رفتار آگاه می‌بود. خطر باید از چنان ماهیت و درجه‌ای برخوردار باشد که با توجه به ماهیت و هدف رفتار متهم و شرایطی که او بدان آگاه است، قصور او در درک آن خطر، انحراف شدیدی از معیارهای مراقبتی باشد که یک

۲- البته می‌بایست توجه داشت که به لحاظ این که اکثر جرایم زیست محیطی مندرج در کد فدرال قصد خاصی نیاز نداشته و از زمره جرایم مطلق می‌باشند و تعداد جرایم زیست محیطی مطلق که نیازمند عمد خاص است نیز در آن محدود است، در نتیجه در غالب جرایم زیست محیطی مقرر در آن همین که مرتکب با سوء نیت عام که به معنای اراده و خواست آزاد شخص در ارتکاب عمل مجرمانه است و آگاهی از ماهیت رفتار ارتكابی و شرایط پیرامونی و سایر ارکان اساسی جرم از جمله موضوع جرم که لازمه سوء نیت عام است، مرتکب رفتار مجرمانه گردد آگاهانه رفتار کرده است.

۳- می‌بایست متذکر شد که اصطلاح ((علم)) اصطلاحی که تا حدودی در قوانین کیفری رایج است همیشه در معنایی که قانون جزای نمونه به آن داده است، تفسیر نمی‌شده و چنین اصطلاحی معنایی گسترده می‌یابد. براساس رأی صادره در برخی از پرونده‌ها، در موارد ذیل، فرد، عالم به حقیقت مطرح محسوب می‌شود؛ وقتی که امکانات دستیابی به این علم را دارد، وقتی از واقعیاتی آگاه می‌شود که فرد را به تحقیق در مورد وجود آن حقیقت و می‌دارد، وقتی اطلاعاتی در دست دارد که برای ایجاد باور متعارف به وجود آن حقیقت کفایت میکند یا وقتی شرایط به نحوی است که انسان متعارف را به وجود آن حقیقت متعقد می‌سازد. تصمیمات، حداقل در برخی مصادیق می‌توانند محدودیت‌هایی مطلوب در خصوص عنصر معنوی ضروری برای جرایم مختلف ایجاد کنند اما در عین حال، سردرگمی قابل توجهی را نیز به دنبال خواهند داشت زیرا اصطلاح علم را در معنایی بسیار متفاوت به کار می‌گیرند. (به نقل از واین، آرفیو. پیشین. ۱۳۹۰. ص ۳۵)

انسان متعارف در موقعیت متهم رعایت می‌کرد. (همان . واین، آرفیو. ۱۳۹۰) به عنوان مثال اگر شخصی اسلحه گرم پری را در دسترس کودکی بگذارد و کودک مزبور با شلیک به سمت فردی او را بکشد شخص به صورت بی‌مبالات عمل کرده است؛ چرا که عامل در این مثال به خطر اساسی و نامتعارف ناشی از اقدام خود آگاه نیست در حالی که یک شخص نوعی متعارف معمول در وضعیت یکسان با شخص مزبور اسلحه پر را در اختیار کودک نمی‌گذارد. در رابطه با جرایم زیست محیطی مندرج در کد فدرال ایالات متحده، تنها در دو قانون (قانون فدرال آب پاک) و نیز (قانون فدرال هوای پاک) جرایمی را می‌توان یافت که با وضعیت ذهنی بی‌مبالات قابل تحقق می‌باشند. به طور کلی رفتارهایی که با این وضعیت روانی ارتکاب می‌یابند مجازات کمتری نسبت به وضعیت ذهنی آگاهانه خواهند داشت. (Luis E. Chiesa, 2018) ; (Cary R. Perlman. 2009) ; (Scott - (Wechsler, H. , 1962) ; (Sampsell-Jones, Ted , 2013) ; (England , 2020 .

۳_۱ - به خطراندازی آگاهانه "Knowing endangerment": با توجه به تعریفی که از حالت ذهنی آگاهانه بیان گردید مطابق این وضعیت، زمانی که شخصی آگاهانه رفتار ممنوعی را که تحت قوانین مختلف زیست محیطی، نقض اوامر و نواحی قانون گذار بوده است انجام داده و در اثر آن شخص دیگری در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار گیرد به نحوی که شخص مزبور در آن زمان (در زمان ارتکاب رفتار) می‌داند و آگاه است که در نتیجه (رفتار) وی شخص دیگری در خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار می‌گیرد، مرتکب وضعیت فوق شده است. به علاوه هر فردی که با این وضعیت مرتکب جرم (جرایم زیست محیطی) شود مجازات بسیار بالایی نسبت به حالت آگاهانه (بدون ایجاد خطر آگاهانه) و یا وضعیت بی‌مبالات خواهد داشت. البته باید توجه داشت که لازم نیست که حتماً از رفتار آگاهانه مرتکب، شخصی در معرض صدمه قرار گرفته یا کشته شود، درواقع همین که در اثر رفتار آگاهانه مرتکب، شخص دیگری در خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار گیرد برای محکومیت وی به حالت مزبور کافی خواهد بود. به عنوان مثال تحت جزء (5) بند (C) بخش 7413 عنوان 42 کد ایالات متحده^۱ (قانون فدرال هوای پاک) هر شخصی که هرگونه آلاینده خطرناک لیست شده تحت بخش 7412 عنوان 42 کد ایالات متحده و یا هرگونه مواد بسیار خطرناکی را که تحت جزء (2) بند (a) بخش 11002 عنوان 42 کد ایالات متحده^۲ فهرست شده است را آگاهانه در هوای محیط انتشار دهد به نحوی که در اثر چنین رفتاری شخص دیگری در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار گیرد، مرتکب به حداکثر پانزده سال حبس یا جزای نقدی تحت عنوان 18 کد ایالات متحده و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. و یا همچنین به موجب جزء 1 تا 7 بند (d) بخش 6928 عنوان 42 کد ایالات متحده^۳ بازیافت، انبار و ذخیره‌سازی، دفع، حمل و نقل یا صادرات غیرمجاز و غیرقانونی پسماندهای خطرناک، ممنوع و جرم بوده و در راستای آن به موجب بند e بخش 6928 عنوان 42 کد ایالات متحده^۴ چنان که فردی رفتارهای مزبور را آگاهانه مرتکب شود و در اثر ارتکاب آن شخص دیگری در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار گیرد، مرتکب به حداکثر پانزده سال حبس و یا تا \$۲۵۰,۰۰۰ دلار جزای نقدی یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. در نتیجه سه شرط می‌بایست جهت تحقق چنین وضعیتی با یکدیگر جمع گردد. اولاً مرتکب می‌بایست آگاهانه رفتاری را که تحت قوانین مختلف زیست محیطی نقض اوامر و نواحی قانون گذار بوده است مرتکب شود. ثانیاً می‌بایست رفتار ارتكابی مزبور (البته به موجب تعیین حکم قانونگذار) شخص دیگری را در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار دهد. ثالثاً

1_ 42.U.S.C.7413.(C).(5)

2 - 42.U.S.C.11002.(a).(2)

3 - 42.U.S.C.6928.(d).(1) until (7)

4 - 42.U.S.C.6928.e

مرتکب می‌بایست علاوه بر ارتکاب آگاهانه رفتار، به چنین ریسک قابل توجهی که در اثر رفتارش ایجاد می‌گردد نیز آگاه باشد. با جمع این شروط شخص، مرتکب وضعیت مزبور خواهد گردید.

به عنوان جمع‌بندی متذکر می‌شویم که اولاً حالت ذهنی آگاهانه و یا به خطراندازی آگاهانه به طور کلی جزء وضعیت روانی عمدی (جرائم عمدی) محسوب و وضعیت ذهنی بی‌مبالات در طبقه بندی حالت ذهنی غیر عمدی (جرائم غیر عمدی) به حساب می‌آید و ثانیاً در جرائم زیست محیطی چنان چه فرد متهم با وضعیت ذهنی بی‌مبالات یا آگاهانه یا به خطراندازی آگاهانه، مرتکب انواع مختلف جرائم در ارتباط با حوزه محیط زیست مقرر شده در کد ایالات متحده گردد مجازاتش به ترتیب افزایش خواهد یافت. به عنوان مثال تحت جزء (3)، (2)، (1) بند (c) بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده^۱ با عنایت به بند (a) بخش 1311 عنوان 33 کد ایالات متحده^۲ تخلیه هرگونه آلاینده از منابع معین^۳ به آب‌های ایالات متحده ممنوع بوده و جرم تلقی می‌گردد و چنان چه فرد این رفتار را با وضعیت ذهنی بی‌مبالات مرتکب شده باشد به حداکثر یک سال حبس و/ یا جریمه نقدی از \$۲,۵۰۰ - تا \$۲۵,۰۰۰ دلار برای هر روز تخلف یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد و چنان چه این رفتار را با وضعیت ذهنی آگاهانه مرتکب شده باشد به حداکثر ۳ سال حبس و یا \$۵,۰۰۰ - تا \$۵۰,۰۰۰ دلار برای هر روز تخلف یا به هردو مجازات محکوم خواهد شد و چنان چه با ارتکاب چنین رفتاری آگاهانه دیگران را در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا آسیب شدید جسمی قرار دهد به حداکثر ۱۵ سال حبس و یا حداکثر \$۲۵۰,۰۰۰ دلار جزای نقدی یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. البته چنان چه رفتار مزبور را اشخاص حقوقی مرتکب شده باشند به حداکثر \$۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار جزای نقدی محکوم خواهند شد.

و یا به موجب جزء (b)، (1) و (b)، (2) بند (C) بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده^۴ تخلیه غیرمجاز هرگونه آلاینده توسط هر شخص به تأسیسات و سیستم تصفیه خانه‌های دولتی که ناقض الزامات و استانداردهای مربوطه باشد ممنوع و جرم بوده و بسته به این که شخص با چه وضعیت ذهنی (آگاهانه یا بی‌مبالات) این رفتار را انجام داده باشد مجازات مختلفی در برخواهد داشت. بر فرض مثال الف مالک یا متصدی یک کارخانه صنعتی است وی جهت این که از هزینه‌های کارخانه صنعتی مزبور بکاهد، از اعمال استانداردها یا الزامات اساسی و هزینه بر مربوط به تصفیه و خنثی سازی یا تغییر ماهیت خواص اثر پساب‌های تولیدی ناشی از کارخانه مزبور که جهت تصفیه مقدماتی ضروری است خودداری ورزد، به نحوی که شخص متصدی پساب‌های ناشی از پروسه تولیدی کارخانه را بدون این که تصفیه شوند به سیستم فاضلاب دولتی وارد کند، در این صورت مالک کارخانه آگاهانه عمل کرده است. درواقع همین که شخص متصدی یا مالک کارخانه با اعمدعام که به معنای عمد و خواست آزاد در تخلیه و ورود آلاینده‌ها به سیستم فاضلاب متعلق به دولت است و با آگاهی از ماهیت رفتار و شرایط پیرامونی و سایر ارکان اساسی جرم که لازمه سوء نیت عام است مرتکب رفتار مزبور گردد، آگاهانه رفتار کرده است. که در این صورت بدیهی است که متصدی مزبور می‌بایست به ماهیت آلاینده بودن ماده‌ای که به سیستم تصفیه‌خانه وارد می‌کند و نیز به جایی که چنین آلاینده‌ای به آن ورود می‌یابد (به عنوان موضوع جرم) آگاهی داشته باشد. که در این صورت مطابق با بند C بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده مرتکب به حداکثر ۳ سال حبس و/ یا \$۵,۰۰۰ تا \$۵۰,۰۰۰ دلار جزای نقدی به واسطه هر روز تخلف یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. البته باید توجه داشت که در اینجا آگاهی نسبت به ماهیت عمل است که از

5 - 33.U.S.C.1319.(C).(1)&(2)&(3)

6- 33.U.S.C.1311.(a)

۷- آلاینده‌های آب را می‌توان بر حسب این که از یک کانون نقطه‌ای یا غیر نقطه‌ای منتشر شده باشند طبقه‌بندی نمود. کانون‌های نقطه‌ای (منابع معین) مشخص و محدودند مثلاً لوله‌های فاضلاب صنعتی که به یک رودخانه یا دریاچه تخلیه می‌شوند. کانون‌های غیر نقطه‌ای آلودگی آب (منابع نامعین) معمولاً نامشخص و متناوب هستند مثل روان آب‌های شهری خیابان‌ها، کانون‌های روستایی، کشاورزی و معدن کاری. (به نقل از ذولفقاری، حسن، ۱۳۹۱) 1 - 33.U.S.C.1319.(C).(1).(b)&(2).(b)

اهمیت برخوردار است نه آگاهی از حکم قانون، چرا که عدم آگاهی از قوانین دفاع محسوب نشده و در واقع جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود.

یاهمچنین بر فرض مثال یکی از متصدیان کارخانه مزبور قصد دارد آلاینده خطرناکی را که از پروسه تولیدی آن کارخانه بدست آمده است را جهت اعمال فرآیند استانداردهای تصفیه اولیه به جایگاه‌های مخصوصی که برای این کار تدارک دیده شده است (وان‌های مخصوص) وارد کند ولی در اثر سهل انگاری، ریموت کنترل (هدایت‌گر) جایگاه مخصوص آلاینده‌ها را در معرض و در دسترس بچه ۵ ساله مالک کارخانه که اتفاقاً آن روز جهت بازدید از کارخانه پدرش آمده بود می‌گذارد و در نتیجه آلاینده‌های مزبور بدون این که تصفیه مقدماتی بر روی آن‌ها اعمال شود، به جای ورود به جایگاه تصفیه به سمت لوله‌هایی که به تصفیه خانه‌های دولتی ختم می‌شود تخلیه گردد؛ در اینجا شخص متصدی به صورت بی‌مبالات رفتار کرده است چرا که با توجه به معیار نوعی در یک وضعیت مشابه، یک شخص متعارف و معقول هدایت‌گر آلاینده به این خطرناکی را در دسترس کودک نمی‌گذارد. به عبارت بهتر شخص متصدی در این مثال به خطراساسی و توجیه‌ناپذیر و نامتعارف ناشی از اقدام خود آگاه نیست درحالی که یک انسان متعارف در شرایط یکسان با متصدی مزبور می‌بایست به خطرات ناشی از اقدامش (در دسترس‌گذاری هدایت‌گر آلاینده بسیار خطرناک) آگاه می‌بود. و یا این که متصدی مزبور سهل‌انگاری کرده و استاندارد الزامی مربوط به تصفیه مقدماتی که پیش از تخلیه آلاینده (بسیار خطرناک) به تصفیه خانه دولتی الزامی بوده است را به علت حواس‌پرتی که به دلیل بازی فوتبالی که در آن روز از تلویزیون پخش می‌شده فراموش کند و آلاینده، بدون این که تصفیه‌ای مقدماتی (جهت تفکیک مواد آلاینده از سایر مواد و اعمال تغییر ماهیت خواص چنین آلاینده‌هایی جهت خنثی سازی اثرات زیان بار آن مطابق استانداردهای مربوطه) بر روی آن واقع شود، به تصفیه خانه دولتی روانه گردد، در اینجا شخص متصدی بی‌شک به صورت بی‌مبالات عمل کرده است. در این دومثال اخیر شخص متصدی مطابق بند (c) بخش 1319 عنوان 33 کد ایالات متحده به مجازات حداکثر ۱ سال حبس و/یا \$۲۵,۰۰۰ تا \$۲۵,۰۰۰ دلار جزای نقدی به واسطه هر روز تخلف یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. چنان چه ملاحظه می‌شود مجازات ارتکاب رفتار با وضعیت روانی بی‌مبالات که بزه‌ای غیر عمدی است مجازات کمتری نسبت به ارتکاب رفتار به صورت آگاهانه که بزه‌ای عمدی است در برخواهد داشت. و یا بر فرض مثال دفع غیرقانونی و آگاهانه مواد زائد جامد و پسماندهای خطرناک ناشی از فعالیت‌های تولیدی کارخانه صنعتی مزبور توسط مالک یا متصدی کارخانه به نحوی که مواد مزبور شخص دیگری را در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرار دهد، مالک یا متصدی کارخانه مزبور تحت بند (e) بخش 6928 عنوان 33 کد ایالات متحده به حداکثر پانزده سال حبس و یا تا \$۲۵۰,۰۰۰ دلار جزای نقدی یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. چندان که مجازات مزبور نسبت به وضعیت روانی آگاهانه و یا بی‌مبالات مجازات شدیدی محسوب است.

۴_۱- مسئولیت مطلق "Strict Liability": در یک تعریف کلی، مسئولیت مطلق عبارتست

از مسئولیت کیفری شخص مرتکب به واسطه صرف فعل یا ترک فعل خلاف قانون، صرف نظر از لزوم و مشایعت هر شکل و هرگونه وضعیت روانی (اعم از آگاهی، عمد، بی‌مبالاتی و یا بی‌پروایی). (strict liability crimes, legalmatch.com 2024, September 23); (A.Saltzman 1978); (strict_liability, law.cornell.edu, 2024, september 23); (Scott England, 2020). قرن‌ها است (حداقل از سال ۱۶۰۰) که جرایم مختلف کامن لا به نحوی تعریف می‌شوند که در آن‌ها همراه شدن فعل یا ترک فعل متهم با یک یا چند نوع از انواع مختلف تقصیر (عمد، آگاهی، بی‌پروایی یا بسیار به ندرت بی‌مبالاتی) برای محکومیت ضروری است. کسی که هیچ یک از این انواع تقصیر را نداشته باشد به جرایم مقرر در کامن لا محکوم نمی‌شود، اما قانونگذاران، به ویژه در قرن‌های بیست و بیست و یک، پیش‌بینی مجازات برای رفتار بدون تقصیر را پذیرفته‌اند. بنابر این قانون موضوعه می‌تواند صرفاً به این موضوع اشاره کند که هرکس چنین و چنان کند (یا نکند) یا هر کس چنین یا

چنان نتیجه‌ای را به بار آورد به ارتکاب جرم محکوم می‌شود و سپس مجازات را مشخص کند. (واین، آرفیو. پیشین. ۱۳۹۰. ص ۹۵ و ۹۶) معمولاً، اما نه همیشه، جرایم بدون تقصیر پیش‌بینی شده در قوانین موضوعه، مجازات نسبتاً سبکی دارند- معمولاً مجازات جنحه‌ای. این جرایم، اغلب برای کمک به دادستان ایجاد شده‌اند تا بتواند از عهده موقعیت‌هایی برآید که در آن‌ها اثبات عمد، علم، بی‌پروایی و بی‌مبالاتی مشکل است و به همین علت به دست آوردن حکم محکومیت، جز با نادیده گرفتن رکن تقصیر، دشوار به نظر می‌رسد. ممکن است مقنن معتقد باشد که از بین بردن رفتار زیان بار^۱ مطرح ارزشمند است، حتی اگر به قیمت محکومیت افرادی که ذهن بی‌گناهی دارند و قابل سرزنش نیستند تمام شود. همچنین ممکن است انتظار حجم زیادی از پرونده‌ها را در انواع خاص رفتارهای زیان بار داشته باشد و به این ترتیب بخواهد نهادهای مسئول تعقیب را از مأموریت زمان بر تهیه مدارک اثبات تقصیر، معاف کند. بی‌شک در بیشتر این جرایم، درواقع هدف مقنن آدم‌های شرور است و پیش‌بینی می‌کند که نهادهای مسئول تعقیب، اختیار گسترده خود را در تصمیم‌گیری برای تعقیب یا عدم تعقیب اعمال کرده و از این قانون تنها علیه افرادی استفاده کنند که سوء شهرت داشته و احتمالاً سوءنیتی که اثبات آن دشوار است، داشته‌اند و افرادی را که بر اساس حسن شهرتشان می‌توان گفت احتمالاً چنین سوء نیتی نداشته‌اند، تعقیب نکنند (همان واین، آرفیو. ۱۳۹۰. ص ۹۵ و ۹۶). در رابطه با مطابقت مسئولیت مطلق با قانون اساسی ایالات متحده، دادگاه عالی ایالات متحده این قاعده را به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته است که تصویب قوانین کیفری متضمن جرایم بدون تقصیر، مخالفتی با اصول قانون اساسی ندارد. قانونگذاران آزادی عمل زیادی دارند برای اینکه جرمی را تعریف کرده و عناصر مربوط به آگاهی و توجه را از تعریف آن حذف کنند. دادگاه عالی تنها در یک مورد (قضیه کالیفرنیا در برابر لامبرت^۲) با یک جرم بدون تقصیر مخالفت کرد که این مورد نیز شرایطی نسبتاً غیر عادی داشت. (همان . واین، آرفیو. ۱۳۹۰. ص ۱۰۸). در رابطه با جرایمی که مستلزم مسئولیت بدون تقصیر یا مطلق هستند می‌توان به بزه فروش مواد الکلی به افراد زیر سن قانونی، جرایم رانندگی و یا بزه برقراری رابطه نامشروع با یک کودک زیر سن قانونی (خواه دختر خواه پسر) اشاره کرد. در جرایم مزبور صرف اقدام مرتکب جهت تعقیب قانونی و محاکمه کافی است. بر فرض مثال در بزه فروش مواد الکلی به افراد زیر سن قانونی حتی اگر فرد مرتکب به طور معصومانه‌ای بر این اعتقاد باشد که کودک مزبور به اندازه کافی جهت خریداری مشروبات الکلی بزرگ بوده است، برای محکومیت وی کافی خواهد بود. (Berry III, (1978), A Saltzman, (2024, september 23), legalmatch.com, William W, February 26, 2023). لازم به ذکر است که در نظام حقوقی ایالات متحده، در رابطه با جرایم زیست محیطی، مسئولیت فاقد تقصیر یا مسئولیت مطلق پذیرفته شده و در تعدادی از قوانین موضوعه انعکاس یافته است. به عنوان مثال تحت بند (a) بخش 707 عنوان 16 کد ایالات متحده^۳ (قانون فدرال معاهده پرنده‌گان مهاجر) برای هرگونه تخلف از مفاد زیر فصل مربوطه (زیر فصل دوم از فصل هفتم عنوان شانزدهم کد ایالات متحده) اعم از بخش 703 از عنوان شانزدهم کد ایالات متحده^۴ (که بخشی از زیر فصل دوم است) مجازات جنحه‌ای حد اکثر 15,000 دلار جزای نقدی یا حداکثر شش ماه حبس در نظر گرفته است چنان که قانونگذار فدرال برای بند مزبور هیچ‌گونه قیدی که مبنی بر عنصر معنوی باشد (مثل عامدانه، آگاهانه، بی‌مبالات و یا بی‌پروایی) استفاده نکرده و به عبارت بهتر بند مزبور متضمن مسئولیت مطلق یا بدون تقصیر خواهد بود. بر فرض مثال با عنایت و توجه به بخش 703 مزبور "ایراد صدمه و یا کشتن هرگونه پرنده مهاجر و محافظت شده به هر وسیله و با هر شیوه‌ای" ممنوع بوده و به موجب بند a بخش 707 مزبور جرم جنحه‌ای محسوب و قابل مجازات خواهد بود و بر

^۱ - تمرکز مسئولیت مطلق اغلب بر پیشگیری از آسیب است، نه مجازات افراد به دلیل نیت خاصشان؛ این درحالی است که برخی از حقوقدانان معتقدند که مسئولیت فاقد تقصیر می‌تواند به عنوان یک مجازات ناعادلانه تلقی شود، حتی اگر هدف جلوگیری از آسیب باشد

1 _ lambert v. California, 355 U.S.255, 78 s.ct. 240, 2 L.Ed.2d 288 (1957)

2- 16.U.S.C.707.(a)

3- 16.U.S.C.703

فرض مثال چنان چه شخصی با ریختن روغن در برکه‌ای که پرندگان محافظت شده (مثل عقاب طلایی آمریکایی) از آن آب خورده و کشته شده‌اند، به نحوی که حتی کشته شدن چنین پرندگانی در اثر یک اتفاق و بدون هیچ گونه قصد و غرضی انجام گیرد، جرم بوده و تنها به صرف ارتکاب رفتار، قابل مجازات بوده و هیچ گونه وضعیت روانی و یا سوء نیت کیفری (اعم از آگاهی، عمد یا بی‌مبالاتی) جهت اثبات بزه مذکور مورد نیاز نبوده و تنها به مجرد وجود رابطه علت و معلولی بین رفتار متهم و کشته شدن یا ورود آسیب به پرندگان محافظت شده، قابل تعقیب کیفری خواهد بود. (Kalyani, 2012 Robbins, البته باید به این نکته توجه داشت که بند (b) بخش 707 قانون مزبور که متضمن جرم جنایی است (دراثر اصلاحاتی که بعدها قرار گرفت)^۱ برای ارتکاب برخی از مصادیق مثل گرفتن هرگونه پرنده محافظت شده (مهاجر) به قصد فروش یا عرضه برای فروش یا مورد معامله قرار دادن چنین پرندگانی، عنصر معنوی در نظر گرفته و از قید ((آگاهانه)) استفاده کرده است، ولی با این حال بند (a) بخش مزبور همچنان متضمن مسئولیت مطلق است. از دیگر قوانین زیست محیطی که مسئولیت مطلق را مقرر می‌دارد قانون رودخانه‌ها و بنادر مصوب 1988 می‌باشد. لازم به ذکر است که قانون مزبور قدیمی‌ترین قانون کیفری زیست محیطی ایالات متحده می‌باشد. به موجب این قانون تخلیه هرگونه ماده پسمانده (از هر نوع و هر شکلی) به آب‌های قابل کشتیرانی ایالات متحده ممنوع و جرم می‌باشد و برای آن مسئولیت بدون تقصیر یا مطلق در نظر گرفته است. به عنوان مثال در قضیه سلندنگ آیو^۲ که به موجب آن در سال ۲۰۰۴ میلادی کشتی ترابری سلندنگ آیو (شرکت کشتیرانی آی ام سی) که حامل ۶۶۰۰۰ تن سویا و نیز حدود ۳۴۰۰۰ گالن نفت و سایر فرآورده‌های نفتی بود در غرب آلاسکا به گل نشست و از کشتی مزبور مقدار قابل توجهی سویا و مواد نفتی به آب‌های منطقه نشت کرد. چنان که در نتیجه نشت، صدها گونه از پرندگان مهاجر و حدود ۳ مایل دریایی از خط ساحلی به نفت آغشته شد. در سال ۲۰۰۷ میلادی وزارت دادگستری ایالات متحده تصمیم گرفت که مالکین کشتی مزبور را تحت تعقیب کیفری قرار دهد و دادگاه شرکت باربری مزبور را به دو فقره نقض از قانون رودخانه‌ها و بنادر و نیز یک فقره تخلف از قانون پرندگان مهاجر (تحت مسئولیت مطلق کیفری) محکوم و به پرداخت ۱۰ میلیون دلار جزای نقدی ملزم کرد. (Cary R. Perlman, 2009 p 83) ; (Philip H. Hilder and Paul L. Creech, hilderlaw.com 2/6/2023) در زمینه مسئولیت مطلق در حوزه محیط زیست در ایالات متحده پرونده قضایی ذیل قابل تامل خواهد بود؛ به موجب این پرونده؛ شرکت کشتی بخار دلار^۳ از جمله مالک یک کشتی بخار به نام "President Coolidge" بود. کشتی کولیج به بندر هونولولو^۴ رفت و در یک اسکله بسته شد. شرکت مزبور با آگاهی از این که قانون رودخانه‌ها و بنادر فدرال ایالات متحده، پرتاب زباله از کشتی به بندر را ممنوع می‌کند، دستورات اکیدی صادر و خدمه را از انجام این کار منع نموده بود. به عنوان کمکی به اجرای قانون، علائم آشکاری در سرتاسر کشتی نصب شده بود که به خدمه کشتی هشدار می‌داد که چیزی را به داخل دریا پرتاب نکنند، و قفل‌هایی روی ناودان‌های شیب‌دار^۵ تعبیه شده بود تا از استفاده از آن‌ها در زمانی که کشتی در بندر بود جلوگیری شود. علیرغم این اقدامات احتیاطی، یک قایق گشت بندری که با قایق گشتی خود از زیر کشتی کولیج عبور می‌کرد؛ ناگهان همراه با زباله‌های آشپزخانه کشتی که روی قایق او و داخل آب افتاد غرق شد؛ وی پس از پاک کردن چشمانش، به بالا نگاه کرد و یکی از خدمه را دید که از پاشنه کشتی عقب دور می‌شد و چیزی که به نظر می‌رسید یک سطل (حاوی زباله) است حمل می‌کرد. شرکت مزبور به نقض قانون رودخانه‌ها و بنادر متهم شد، که در بخش مربوطه مقرر می‌دارد: «پرتاب کردن، تخلیه، یا سپردن... از یا خارج از هر

4- for more information see: (Kristina Alexander, 2010 ..page 5)

^۱ - United States v. IMC Shipping Co. Pte. Ltd., No. 3:07-CR-00096-RPB (D. Alaska aug. 22, 2007)

^۲ - The Dollar Steamship Company

^۳ - هونولولو (به انگلیسی: Honolulu) مرکز ایالت هاوایی در ایالات متحده آمریکا است. شهر هونولولو پایتخت جزایر هاوایی و بزرگترین بندر هاوایی است. با ایالات متحده آمریکا و کشورهای شرق دور و استرالیا با خطوط دریایی و هوایی گسترده‌ای مرتبط است.

^۵ - slop chutes

کشتی... هرگونه زباله از هر نوع یا توصیفی که باشد... به هرآب قابل کشتیرانی ایالات متحده غیرقانونی است.^۱ بندر هونولولو طبق این قانون به عنوان یک آب قابل کشتیرانی طبقه بندی شده است. سؤال اینجاست که آیا شرکت مزبور قانون را نقض کرده است؟ آیا تلاش‌های شرکت برای جلوگیری از پرتاب زباله توسط خدمه به دریا با مسئولیت مرتبط است؟ چه سیاستی (در صورت وجود) با اعمال قانون در مورد این واقعیت‌ها انجام می‌شود؟ (Kathleen F. Brickey, 2008) ; (Ruth Ann Weidel, John R. Mayo & Zachara, F, 1999)

۴۶۶

درواقع همراستا با مباحث سیاست جنایی؛ در سلسله مراتب وضعیت ذهنی لازم در جرایم، مسئولیت فاقد تقصیر کیفری در روند فرسایش رکن معنوی جرایم از جمله در جرایم زیست محیطی بدون بحث نبوده است: اولاً_ نیاز به اثبات رکن معنوی در مواردی که بسیار دشوار است و منجر به پیگرد قانونی بسیار کمی خواهد شد؛ ایجاد و اعمال جرایم مسئولیت فاقد تقصیر ممکن است به معنای افزایش محکومیت‌ها و بالا بردن آمار جرایم تحت شمول آن و راحت بودن اثبات جرایم تحت شمول آن توسط دادستان بوده باشد؛ وثانیاً_ ادعا بر این است که این مسئولیت به عنوان یک راهبرد در در جرایم نظارتی و رفاه عمومی اعمال می‌شوند که رفتار اجتماعی را وادار و اعمال می‌کنند، و جایی که کمترین انگ به یک فرد پس از محکومیت وارد می‌شود، یا در جایی که جامعه نگران پیشگیری از آسیب است و می‌خواهد ارزش بازدارندگی^۲ جرم را به حداکثر برساند ولذا اعمال آن را در محتاط^۳ نمودن افراد مرتبط دانسته

^۱ - it shall be unlawful "to throw, discharge, or deposit... from or out of any ship... any refuse matter of any kind or description whatever . . . into any navigable water of the United States."

^۲ - بنا بر ادعای پاره‌ای از نویسندگان حقوقی، شواهد تجربی محدودی وجود دارد که به طور قطعی نشان دهد که آیا جرایم با مسئولیت مطلق، جرم را کاهش می‌دهند یا آگاهی و پابندی به استانداردهای بالاتر مراقبت (و یا امنیت عمومی) را بهبود می‌بخشند. چندان که با توجه به تجزیه و تحلیل تجربی صورت گرفته فاقد آماری هستیم که نشان دهد جرایم با مسئولیت مطلق جرم را کاهش داده اند یا در بهبود "آگاهی" کسانی که درگیر فعالیت‌های "خطرناک" خاصی برای رسیدن به "استاندارد مراقبت بالاتر" هستند، موفق شده‌اند. رجوع کنید به (José Ignacio Destéfani, FACULTY OF LAW BLOGS / UNIVERSITY OF OXFORD, law.ox.ac.uk, 8 March 2024) ; (MICHAEL SEROTA April 2023)

^۳ - پژوهش‌های تجربی صورت گرفته به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا مسئولیت مطلق اعمال‌شده بر آلوده‌کنندگان، به کاهش انتشار کنترل‌نشده مواد سمی در محیط زیست کمک کرده است یا خیر. از آنجا که مسئولیت مطلق، خسارات آلودگی را به آلوده‌کننده تحمیل می‌کند، باید انگیزه‌های بیشتری برای شرکت‌ها ایجاد کند تا با مواد خطرناک با دقت بیشتری رفتار کنند و در نتیجه احتمال انتشار چنین انتشار کنترل‌نشده‌ای را در آینده کاهش دهند. مقرراتی که آلوده‌کنندگان را مسئول خسارات ناشی از فعالیت‌های آلاینده‌شان می‌داند، در تعدادی از قوانین زیست‌محیطی فدرال و ایالتی که در دو دهه گذشته تصویب شده‌اند، از جمله در قانون فدرال جامع واکنش، جبران خسارت و مسئولیت زیست‌محیطی مصوب ۱۹۸۰ میلادی و قوانین مربوط به پاکسازی زباله‌های خطرناک بسیاری از ایالت‌ها، اگرچه مربوط به اعمال مسئولیت مطلق در موارد مسئولیت مدنی است گنجانده شده است. علیرغم جذابیت مسئولیت مطلق در پاکسازی زباله‌های خطرناک، نظریه اقتصادی و شواهد روایی به این احتمال اشاره دارند که شرکت‌هایی با دارایی‌های محدود ممکن است از انگیزه‌های اقتصادی ایجاد شده توسط مسئولیت مطلق در امان باشند و حتی ممکن است شرکت‌ها سطح دارایی یا ساختار مالی شرکتی خود را به گونه‌ای انتخاب کنند که در صورت بروز حادثه، پرداخت خسارت را به حداقل برسانند. برای برخی از مواد شیمیایی (حلال‌های هالوژنه)، به نظر نمی‌رسد تفاوت زیادی در نرخ‌نشت (آلاینده) بین ایالت‌هایی با و بدون مفاد مسئولیت مطلق در برنامه‌های پاکسازی آن‌ها، پس از در نظر گرفتن تعداد کارخانه‌ها و ترکیب تولید، وجود داشته باشد. برای سایر مواد شیمیایی که پژوهش مزبور تجزیه و تحلیل نموده است (اسیدها، کلر و آمونیاک)، شواهد تجربی نشان می‌دهد که کارخانه‌های کوچک و بزرگ (نماینده تحقیق مزبور برای شرکت‌های کوچک و بزرگ) ممکن است بسته به این‌که سیاست زباله‌های خطرناک یک ایالت مبتنی بر مسئولیت مطلق یا سهل‌انگاری باشد، به طور متفاوتی در نرخ‌نشت آلاینده نقش داشته باشند. به طور خاص، در ایالت‌هایی که مسئولیت مطلق را اتخاذ کرده‌اند، به نظر می‌رسد شرکت‌های کوچک مسئول سهم بیشتری از نشت‌های مربوط به این مواد شیمیایی هستند. از آنجایی که ایالت‌هایی که مسئولیت مطلق را پذیرفته‌اند، به طور متوسط شرکت‌های تولیدی بیشتری نسبت به ایالت‌هایی که به استانداردهای سهل‌انگاری متکی هستند، دارند، این تأثیر تشدید می‌شود زیرا در ایالت‌هایی با مسئولیت مطلق، شرکت‌های کوچک بیشتری نیز وجود دارند. به طور خاص، در ایالت‌های با «مسئولیت مطلق»، ویژگی‌های برنامه‌های ایالتی که مسئولیت‌های بالقوه شرکت‌ها را در اثر نشت مواد (مانند مقررات جبران خسارت قربانیان) یا احتمال هدف قرار گرفتن توسط سازمان‌های محیط زیست (مانند مقررات مربوط به شکایت شهروندان) افزایش می‌دهند، با نشت و حوادث کمتر مرتبط هستند. در مقابل، این ویژگی‌ها در ایالت‌هایی که مسئولیت مطلق را در مقررات مربوط به مواد سمی اتخاذ نکرده‌اند، تأثیر قابل توجهی ندارند. به طور خلاصه، پژوهش مزبور به شواهدی دست یافته است که نشان می‌دهد موجود یا عدم وجود سئولیت مطلق می‌تواند فراوانی انتشار تصادفی مواد سمی در محیط زیست موثر باشد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به مقاله: (Anna Alberini and David Austin, 1999).

اند و مهم تر آن که به نظر ایشان چنین مسئولیتی در پاره‌ای از قوانین زیست محیط در نظر گرفته شده است که صرفاً متضمن جنحه یا خلاف است؛ این درحالی است، که تحمیل مسئولیت مطلق ممکن است از دید منتقدان در مواردی بسیار ناعادلانه و ظالمانه^۱ جلوه‌گر نموده و هیچ اثر بازدارندگی بر آن مترتب نباشد. (, Strict liability) (MICHAEL SEROTA , April 2023) ; law.cornell.edu 2024, september 23)

درواقع درک جذابیت ظاهری مسئولیت مطلق برای سیاست‌گذاران و اصلاح‌طلبان حقوقی در یک نظام سیاست‌جنایی که به دنبال کاهش جرم هستند، آسان است؛ اگر قانون جزا بتواند الزام سنتی مجرمیت خود را از بین ببرد، می‌تواند احتمال محکومیت و مجازات کسانی را که در رفتار ممنوعه شرکت می‌کنند یا آسیب یا شر ممنوعه‌ای ایجاد می‌کنند، افزایش دهد. چنین افزایشی در نرخ مجازات می‌تواند اثربخشی کنترل جرم سیستمی را که بر اساس بازدارندگی عمومی یا ناتوان‌سازی خطر، ساخته شده است، افزایش دهد. استدلال‌های مشابهی از استفاده از مسئولیت کیفری برای جرایم نظارتی حمایت می‌کنند. نرخ مجازات بالاتر نشان‌دهنده انطباق بیشتر است؛ اما به نظر منتقدین این تحلیل از درک هزینه‌های کنترل جرم مبتنی بر مسئولیت مطلق ناتوان است. قانون با پیش‌بینی صریح مجازات در غیاب سرزنش‌پذیری اخلاقی، به لحاظ تجربی اعتبار اخلاقی خود را در جامعه تضعیف نموده و در نتیجه به جای همکاری و رضایتی که برای کنترل مؤثر جرم نیاز دارد، باعث براندازی و مقاومت می‌شود. مهمتر از همه، اعتبار اخلاقی از دست رفته یک نظام، توانایی قانون را در مهار نیروهای قدرتمند انگ‌زنی، نفوذ اجتماعی و هنجارهای درونی شده تضعیف می‌کند. با توجه به محدودیت‌های جدی ذاتی در کاربرد برنامه‌های بازدارندگی عمومی و بازداشت پیشگیرانه در دنیای واقعی، مؤثرترین استراتژی کنترل جرم، ایجاد اعتبار برای حقوق جزا به عنوان یک قانون عادلانه است، که به معنای اجتناب از استفاده از مسئولیت مطلق است. (Robinson, Paul H., January 2, 2017).

۱_۵_ دکترین دانش جمعی _ collective knowledge doctrine^۲ : در ادامه فرسایش و افتراقی‌سازی عنصر معنوی جرایم زیست محیطی، اصطلاح "شخص"^۳ در قوانین کیفری زیست محیطی ایالات متحده به نحوی تعریف گردیده است که شرکت‌ها را نیز شامل گردد؛ توانایی پیگرد قانونی یک شرکت به عنوان یک "شخص" تحت دکترین دانش جمعی، قصد لازم را برای حفظ و احراز محکومیت کاهش داده است. طبق قوانین کیفری زیست محیطی ایالات متحده که مستلزم آگاهی از رفتار است؛ این دکترین اجازه می‌دهد تا دانش جمعی کارکنان یک شرکت، که در محدوده شغلی آن‌ها به دست آمده است، به شرکت نسبت داده شود؛ بنابراین، یک شرکت را می‌توان به دلیل یک تخلف آگاهانه محکوم نمود، حتی اگر هیچ یک از کارکنان از همه عناصر تخلف، آگاهی واقعی نداشته باشند. به عبارت دیگر اگرچه بیشتر تعقیب قانونی صورت گرفته در جرایم یقه سفیدی به طور خاص افراد حقیقی متخلف را هدف قرار می‌دهد، شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی نیز گاهی اوقات به طور مجرمانه متهم می‌شوند؛ اندازه و پیچیدگی شرکت‌های بزرگ، ضرورتاً منجر به تفویض مسئولیت بیشتری گردیده است که به نوبه خود مسئولیت عملیاتی را بین زیردستان هرچه بیشتر گسترش می‌دهد این واقعیت زندگی شرکتی مدرن، دادگاه‌ها را به ایجاد نظریه‌ای سوق داده است که براساس آن، دانش کل زیردستان را می‌توان بدون نیاز به مدرکی مبنی بر اینکه هر عامل فردی از همه حقایق عملیاتی آگاهی واقعی دارد، به شرکت نسبت داد. برای مثال، الزامات گزارش‌دهی پولی مندرج در قانون رازداری بانکی^۴ ایالات متحده را در نظر بگیرید؛ این قانون بانک‌ها را ملزم می‌کند که برای هر تراکنشی که بیش از ۱۰۰۰۰ دلار اس، فرم تراکنش مالی را به سازمان امور مالیاتی ارسال کنند؛ فرض کنید یک باجه بانکی جدید در حال کار در ویتترین شعبه بانک است که مشتری با سه چک ۵۰۰۰ دلاری وارد می‌شود و ۱۵۰۰۰ دلار

^۱ -for more information see: (PAUL J. LARKIN, JR , 2014)

^۲ - collective knowledge doctrine

^۳ - "person"

^۴ - the currency reporting requirements contained in the Bank Secrecy Act.

پول نقد می‌خواهد. باجه جدید از الزامات گزارش‌دهی اطلاعی ندارد، اما به وضوح می‌داند که این تراکنش شامل بیش از ۱۰۰۰۰ دلار ارز است. رئیس باجه‌ها که بر باجه جدید نظارت می‌کند، می‌داند که تراکنش‌های نقدی بیش از ۱۰۰۰۰ دلار باید گزارش شود، اما نمی‌داند که مبالغ سه چک مشتری باید تجمیع شود. بنابراین، رئیس باجه‌های بانک به باجه دار بی‌تجربه دستور نمی‌دهد که گزارش معاملات نقدی را پر کند. مشاور عمومی که در دفتر اصلی بانک کار می‌کند، همه الزامات قانونی را می‌داند اما از این معامله خاص اطلاعی ندارد. آیا بانک عمداً گزارش معاملات مورد نیاز را ارائه نکرده است؟ براساسدکترین دانش جمعی، دانش بانک «مجموع آگاهی همه کارکنان است. یعنی دانش بانک مجموع آن چیزی است که همه کارکنان در محدوده شغلی خود می‌دانند. بنابراین، حتی با وجود این که هیچ فردی از تمام حقایق مربوطه اطلاعی نداشته است، بانک با آگاهی جمعی دو باجه دار و مشاور عمومی مسئول است و به دلیل عدم ارائه آگاهانه گزارش معاملات پولی مورد نیاز، پاسخگو خواهد بود. (Kathleen F. Brickey, 2008, p. 49).

دادگاه در پرونده^۱ ایالات متحده علیه شرکت تایم^۲، دکترین دانش جمعی را با ارزیابی مسئولیت کیفری شرکت مزبور به دلیل تخلف آگاهانه تحت قانون تجارت بین ایالتی بررسی نمود. در یکی از برجسته‌ترین تصمیمات مبتنی بر دانش جمعی، دادگاه به این نتیجه رسید که تعداد کافی از کارمندان، اطلاعات لازم را در اختیار داشتند که مجموع آن‌ها اطلاعاتی را در اختیار شرکت قرار داده است که قانون را نقض نموده است. و همان‌گونه که پیش‌تر تحت مثالی بیان گردید دکترین دانش جمعی بار دیگر در پرونده قضایی ایالات متحده علیه بانک نیوانگلند^۳ به کارگرفته شد؛ جایی که بانک به دلیل عدم ارائه گزارش طبق قانون گزارش معاملات پولی^۴ محکوم شد؛ در دادگاه تجدیدنظر، بانک دستورالعمل ارائه شده از جانب قاضی به هیأت منصفه جهت صدور حکم را به چالش کشید که یکی از عناصر جرم، یعنی "آگاهی" بانک از الزامات گزارش‌دهی را می‌توان براساس دانش جمعی کارکنان بانک ایجاد نمود؛ درتایید دستورالعمل‌های ارائه شده، دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که دستورالعمل دانش جمعی مزبور مطابق با قوانین کیفری موجود است که در مورد شرکت‌ها اعمال می‌شود، و دانش جمعی کارکنان یک شرکت به شرکت متهم منتسب می‌شود. بنابراین، براساس دکترین دانش جمعی، یک شرکت در قبال عدم اقدام قانونی کارکنان خود مسئول خواهد بود. این احتمال وجود دارد که دکترین دانش جمعی در پیگردهای زیست محیطی بر اساس مقررات کیفری در قوانین زیست محیطی اعمال شو؛ بنابراین، دکترین دانش جمعی هنگامی که هیچ یک از کارمندان خاص یک شرکت از وضعیت ذهنی لازم برخوردار نباشد، ابزار دیگری را برای اجرای مجازات‌های کیفری در اختیار دولت قرار می‌دهد. (Weidel, Ruth, Mayo, John & Zachara, F. 1991)

۱_۶_ دکترین کوری عمدی - willful blindness: آموزه کوری عمدی یا جهل عامدانه، استثنایی را در این شرط ایجاد نموده است که برای احراز محکومیت لازم است که متهم از عناصر مادی جرم "آگاهی واقعی" داشته باشد؛ در نظام کیفری ایالات متحده فرض اصلی دکترین مزبور این است که وقتی فردی از وجود احتمالی عنصر مادی جرم آگاه گردیده و عمداً از انجام تحقیقات بیشتر کوتاهی می‌کند، از وضعیت روانی کافی برای محکوم شدن به جرمی برخوردار است که مستلزم آگاهی است. اگرچه بین مفسران اختلاف وجود دارد، دادگاه استیناف

^۱ - for more information about this case see: [https://www.justice.gov/atr/case/us-v-time-dc-inc-see-also-law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/381/730/2006021/\(2/16/2024\)](https://www.justice.gov/atr/case/us-v-time-dc-inc-see-also-law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/381/730/2006021/(2/16/2024))

^۲ - United States v. T.I.M.E.-D.C., Inc.

^۳ - United States v. Bank of New England, N.A.,

^۴ - Currency Transaction Reporting Act.

حوزه نهم، در قضیه ایالات متحده علیه جول^۱ چنین تشخیص داد که عمل متهم خواه با آگاهی واقعی و خواه با کوری عمدی دارای تقصیری یکسان خواهد بود؛ چندان که متهم در قضیه مزبور به دلیل نقض آگاهانه قانون جامع پیشگیری و کنترل سوء مصرف مواد مخدر فدرال محکوم شد؛ در سال ۱۹۷۰ میلادی در دادگاه تجدید نظر، متهم، دستورالعمل ارائه شده به هیئت منصفه توسط قاضی را به چالش کشید که محکومیت را براساس شواهدی (فراتر از شک معقول) مجاز می‌دانست که براساس آن جول (متهم) عمداً از اطلاع از حقیقت اجتناب می‌نمود تا آگاهی مثبتی در مورد مواد مخدر کسب نکند. دادگاه استدلال متهم را رد کرد و رسیدگی دادگاه بدوی را بر اساس دستورالعمل ارائه شده به هیئت منصفه تأیید نمود. دادگاه معتقد بود که محدود کردن تعریف آگاهی به "آگاهی واقعی" منجر به اجازه دادن به چهل عمدی به عنوان دفاعی قضایی گردیده و این امر اجتناب عامدانه از دانش واقعی را تأیید خواهد نمود؛ علاوه بر این، دادگاه خاطرنشان کرد که مفهوم کوری عمدی برای ایجاد آگاهی کافی در اجراز مجرمیت توسط دادگاه‌های تجدیدنظر متعدد در حوزه‌های مختلف پذیرفته شده است. (Weidel, Ruth, Mayo, John & Zachara, F, 1991).

دکترین کوری عمدی یا چهل عمدی، علاوه بر جلب پذیرش دادگاه‌های تجدید نظر، توسط قانون مجازات نمونه و دستورالعمل‌های نمونه ارائه شده به هیئت منصفه در حوزه فدرال ایالات متحده پشتیبانی می‌شود. یک دستورالعمل استاندارد ارائه شده به هیئت منصفه در رابطه با دکترین کوری عمدی، به هیئت منصفه این امکان را می‌دهد که آگاهی متهم را در صورتی که بتوان فراتر از شک معقول ثابت نمود که متهم عمداً از آگاهی اجتناب کرده است؛ استنباط نماید. ملاحظات سیاسی و خطی مشی‌ای کلی زیربنای قوانین کیفری زیست محیطی نیز از دکترین کوری عمدی حمایت می‌کند. هدف قوانین زیست محیطی حفاظت از محیط زیست و همچنین سلامت، ایمنی و رفاه عمومی است. یک مکانیسم اجرایی قوی، از جمله مجازات‌های کیفری، برای تحقق این هدف مورد نیاز است. عقیده بر این است که مقررات کیفری بسیاری از قوانین زیست محیطی اغلب در صورتی که متهم تنها بر اساس دانش واقعی مسئول باشد، بی‌پایه خواهد بود؛ با این حال، با اجازه دادن به دادستان یا هیئت منصفه برای احراز آگاهی متهم از طریق نشان دادن مفهوم مفاد کوری عمدی یا چهل ساختگی، الزام رکن معنوی بیشتر از بین خواهد رفت. اگر چه دکترین کوری عمدی به عنوان ارضای الزام آگاهی پذیرفته شده است، دادگاه‌ها محتاطانه در محدود کردن کاربرد آن اقدام نموده اند. چندان که دادگاه بعدها دکترین کوری عمدی را در پرونده قضایی ایالات متحده در برابر پاسیفیک^۲ اصلاح نمود. دادگاه در این پرونده نشان داد که دولت (دادستان و هیئت منصفه) باید نشان دهد که رفتار متهم شامل تلاش عمدی برای عدم اطلاع از حقایق مادی (با اهمیت) است. از آنجایی که هیچ مدرکی مبنی بر این که اقدامات متهم به این سطح از رفتار در این قضیه رسیده باشد وجود نداشت، محکومیت نقض گردید. متهم در این پرونده به دلیل کوتاهی آگاهانه در مدیریت و دفع صحیح خازن‌های حاوی بی‌فنیل‌های پلی‌کلرینه^۳ برخلاف قانون کنترل مواد سمی ایالات متحده^۴ تجدیدنظر خواهی نمود. به هیئت منصفه جهت صدور حکم دستور داده شد که محکومیت می‌تواند مبتنی بر کاربرد دکترین کوری عمدی یا چهل عمدی باشد. قاضی کندی^۵ که نظر اکثریت دادگاه را انشاء می‌نمود؛ محدودیت‌هایی را بر دکترین کوری عمدی قرار داد و استفاده از آن را به موقعیت‌های واقعی خاص محدود نمود. قضات اکثریت دادگاه اظهار داشتند که دستورالعمل متضمن کوری عمدی ارائه شده به هیئت منصفه تنها زمانی مناسب است که استدلال

^۱ - the Court of Appeals for the Ninth Circuit in United States v. Jewell, 532 F.2d 697 (9th Cir. 1976), cert. denied, 426 U.S. 951 (1976).

^۲ - United States v. Pacific Hide & Fur Depot, Inc. see in: <https://www.quimbee.com/cases/united-states-v-pacific-hide-fur-depot-inc> (16/2//2024)- see also - <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/716/1341/2345106/> (16/2//2024)

1 - polychlorinated biphenyls (PCBs)

2 - the Toxic Substances Control Act (TSCA).

^۵ - آنتونی مک‌لوئد کندی (به انگلیسی: Anthony McLeod Kennedy) (متولد ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۶) یکی از هشت قاضی دستیار دیوان عالی ایالات متحده آمریکا (از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۸) بود که توسط رونالد ریگان در سال ۱۹۸۸ پس از بازنشستگی سندرا دی اوکانر نامزد و انتخاب شد.

متهم مبتنی بر فقدان دانش، واقعی باشد و شواهد ارائه شده در محاکمه نشان می دهد که متهم عمداً در تلاش برای جلوگیری از مسئولیت، حقایق مربوطه را (ترک فعل) تعیین ننموده است. قاضی کندی خاطرنشان کرد که در غیاب شواهدی دال بر رفتار عمدی متهم برای اجتناب از حقیقت، هیئت منصفه ممکن است به طور ناروا و براساس سهل انگاری صرف و بدون اثبات اجتناب عامدانه، آگاهی مجرمانه را استنباط کند. تصمیم فوق منعکس کننده نگرانی قاضی کندی است مبنی بر این که استفاده از دکترین کوری عمدی در مواردی که متهمی فاقد مجرمیت لازم است، ممکن است منجر به محکومیت بر اساس قانون کیفری شود که مستلزم رفتار آگاهانه است. براین اساس، تصمیم در قضیه پاسفیک هید و مخالفت قاضی کندی استانداردهای قابل بیانی را برای محتوای دستورالعمل کوری عمدی ارائه می دهد. (Weidel, Ruth, Mayo, John & Zachara, F, 1991).

۲ - عنصر معنوی جرایم زیست محیطی در نظام کیفری ایران:

پیش از ورود به مبحث بررسی چگونگی عنصر معنوی جرایم زیست محیطی در حقوق ایران، متذکر می گردد که اولاً تفکیک وضعیت ذهنی متهم به عمد، آگاهانه و بی مبالات در جرایم زیست محیطی، صرف نظر از این که در حقوق آمریکا چنین تفکیکی مختص جرایم زیست محیطی نبوده و در سایر جرایم نیز جاری است و صرف نظر از این که در حقوق آمریکا چه میزان مجازاتی برای جرایم زیست محیطی در نظر گرفته شده است (که معمولاً مجازات ها سنگین بوده و قابل مقایسه با میزان مجازات مقرر در قوانین مختلف زیست محیطی در حقوق ایران نیست) و همچنین صرف نظر از این که در حقوق فدرال آمریکا وضعیت روانی لازم غالب جرایم زیست محیطی تحت کد ایالات متحده وضعیت روانی آگاهانه است)، در چگونگی ایجاد تناسب بین جرم و مجازات مؤثر خواهد افتاد. با این توضیح که متناسب ساختن مجازات با جرم، مستلزم گذراندن سه مرحله است، اول درجه بندی جرایم بر حسب شدت آن ها، دوم درجه بندی مجازات ها بر حسب شدت آن ها و سوم تطابق دادن مجازات ها با جرایم. گفتنی است که در تعیین شدت یک جرم باید سه عامل را مدنظر داشت: شدت عینی جرم یا همان صدمه حاصل از جرم، شدت ذهنی جرم یا همان مجرمیت مرتکب و بالاخره میزان تأثیر مرتکب در وقوع جرم، در حقیقت شدت هر یک از این سه عامل بر میزان سرزنش پذیری رفتار مؤثر خواهد بود به نحوی که ترکیبی از این سه عامل نمره و درجه ای خاص از شدت را به هر جرمی می دهد. یکی از ابعاد شدت جرم، شدت مجرمیت مرتکب آن به عنوان جنبه ذهنی است. بدین معنا که ممکن است به رغم یکسانی شدت صدمه وارد بر جامعه از جرم دو مجرم، میزان مجرمیت آن ها متفاوت بوده و در نهایت شدت جرایم آن ها متفاوت ارزیابی گردد. مجرمیت را می توان در یک معنای مضیق و یک معنای موسع لحاظ کرد. در معنای مضیق مجرمیت (که موضوع بحث ماست)، به بررسی وضعیت ذهنی و روانی مرتکب در زمان ارتکاب جرم می پردازیم. بر این اساس چهار سطح مختلف از مجرمیت را می توان تشخیص داد که به ترتیب درجه شدت عبارتند از عمد - علم بی تفاوتی و غفلت، درمقابل معنای مضیق، معنای موسع مجرمیت قرار دارد (که خارج از موضوع بحث ماست)، در این معنا علاوه بر وضعیت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم، شخصیت اخلاقی او نیز چه قبل و چه پس از وقوع جرم مدنظر قرار می گیرد. با این استدلال که هدف از مجازات، سرزنش همین شخصیت است و نه وضعیت روانی مرتکب در مقطع ارتکاب جرم و لذا برای تعیین میزان سرزنش پذیری مجرم باید در محدوده زمانی وسیع تری به ارزیابی آن پرداخت. در این معنا از مجرمیت، بین مجرمیت یک شخصیت خوب و بد تفاوت وجود دارد. رفتارهای مختلفی که فرد پیش و پس از وقوع جرم اعم از مثبت یا منفی از خود نشان داده در خوب یا بد تلقی کردن شخصیت او نقش بسزایی دارد. به عنوان مثال داشتن سابقه محکومیت در گذشته نمونه یک رفتار بد و منفی قبل از ارتکاب جرم و کمک به مقامات جهت کشف جرم نمونه یک رفتار خوب و مثبت پس از ارتکاب جرم است (یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶ تا ص ۱۴۹). وانگهی با توجه به شدت مجرمیت مرتکب به عنوان جنبه ذهنی (در معنای مضیق)، چنان چه قائل به چنین تفکیکی باشیم، لزوم تناسب و هماهنگی بین جرم ارتكابی و میزان و نحوه مجازات آن بیشتر، بهتر و دقیقتر تأمین خواهد شد. به

عبارت دیگر هر چقدر نسبت به عنصر معنوی وحالات ذهنی مرتکب موشکافانه ترو دقیق‌تر وارد شویم، به صورت دقیق‌تری می‌توان نسبت به آن تعیین مجازات کرد. ثانیاً باید به این نکته توجه داشت که ارتکاب غالب جرایم زیست محیطی (خواه در حقوق فدرال ایالات متحده و خواه عملاً در حقوق ایران با عنایت به ارکان و اجزاء رکن روانی ونحوه جرم‌انگاری این گونه جرایم) صرف نظر از اینکه در حقوق ایران عمد اعم از علم بوده و عمد در معنای مذکور علم را نیز دربر می‌گیرد، به جهت ماهیت چنین جرایمی به نحوی است که مرتکب در زمان ارتکاب، واجد عنصر ذهنی آگاهی (با توجه به تعریفی که از چنین وضعیت ذهنی در حقوق فدرال ایالات متحده بیان گردید) خواهد بود، به نحوی که حتی اگر هدف مرتکب ارتکاب رفتار با این ماهیت نبوده و بدان گرایشی نداشته باشد بلکه صرفاً با عمد عام که به معنای عمد و خواست آزاد در انجام رفتار مجرمانه است (با آگاهی از ماهیت رفتار و شرایط پیرامونی بزه که لازمه سوء نیت عام است) جرم تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر، زمانی که مدیر یا متصدی یک کارخانه تولیدی یا صنعتی، فیلتر مخصوص جذب آلاینده هوا را نصب نمی‌کند یا راننده وسیله نقلیه موتوری فرسوده و آلوده کننده‌ای که هر روز با آن در شهر تردد میکند (هرچند خود عضو فلان جمعیت حامیان محیط زیست باشد) گرچه رفتار را با عمد عام انجام داده و آن را خواسته و به ماهیت رفتار خود آگاه است ولی هدف او ارتکاب رفتار با چنین ماهیتی نیست و به آن تمایلی ندارد. (چنین شخصی قطعاً بی‌مبالات شناخته نخواهد شد چرا که فرد مزبور به رفتار خود آگاه است در حالی که شخص بی‌مبالات به رفتار خود و خطری که از آن ناشی می‌شود آگاهی ندارد، در حالی که یک شخص متعارف در وضعیت وی می‌بایست به کردار خود آگاه می‌بود. البته باید توجه داشت که در مثال راننده اتومبیل فرسوده یا مدیر تولیدی، چنان‌چه اشخاص مذکور به هردلیلی به رفتار خود آگاهی نداشته باشند ممکن است تحت شرایطی بی‌مبالات شناخته شوند) در نتیجه به نظر نگارنده چنین تفکیکی لا اقل در جرایم زیست محیطی ظریف، زیبا و هم راستای اصول حقوقی بوده و با طبیعت و ماهیت چنین جرایمی کاملاً منطبق است. در حقوق ایران نیز تحقق اکثر جرایم زیست محیطی در عمل، آگاهانه خواهد بود به عنوان مثال مطابق ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی مقرر در ماده مزبور (بنا بر تعداد سیلندر، حجم موتور، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم) محکوم خواهند شد به نحوی که اشخاص مزبور به صرف وجود عمد عام یا عمد رفتاری که به معنای خواست آزاد فرد در انجام رفتار جرم است (چنان که می‌بایست مرتکب، رفتار تردد با وسیله نقلیه آلوده کننده را به عمد انجام داده و آن را آزادانه خواسته باشد) و نه به صورت غیر-عمدی یا در اثر بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی، مرتکب رفتار مزبور (تردد وسایل نقلیه آلوده کننده) گردند، به صرف آگاهی از ماهیت رفتار ارتكابی و آگاهی از تمامی عناصر و اجزاء ضروری پیش‌بینی شده در قانون برای جرم مزبور اعم از آلوده کننده بودن وسیله نقلیه یا حتی وسیله نقلیه بودن وسیله‌ای که با آن در شهر تردد می‌نماید^۲، بزه محقق خواهد شد (حتی اگر هدف خودآگاه مرتکب مزبور ارتکاب رفتار با چنین ماهیتی نباشد و به آن کشش و تمایلی نداشته باشد). در واقع چنین فردی خواستار انجام رفتار بوده و به ماهیت کردار خویش آگاه بوده است اما هدف و خواستش تحقق جرم و نقض قانون نبوده و به آن تمایلی ندارد و چنین شخصی آگاهانه (به عمد در حقوق ایران) عمل کرده و به جهت همین

۱- درواقع صرف‌نظر از این‌که اگر چنین شخصی تمایل و کششی به تردد با وسیله نقلیه آلوده کننده نداشته و به خاطر ضرورت حمل نقل با آن، مرتکب رفتار مزبور شده و حتی بعد از انجام رفتار از آن متأسف نیز باشد و به علاوه قصد خاصش بروز و ایجاد آلودگی یا آسیب به اشخاص نباشد دلیل کافی جهت تحمیل مسئولیت به شخص مزبور وجود دارد.

۲- حتی آگاهی نسبت به غیرمجاز بودن وسیله نقلیه موتوری در صورتی که در جایگاه علم به موضوع مطرح گردد جهت تحقق جرم مزبور ضروری است. به این نحو که مرتکب چنین تصور می‌کرده که گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی مربوط به تردد وسایل نقلیه موتوری را دریافت کرده است، در صورتی که در حقیقت چنین گواهی را (مجوزهای لازمه) را دریافت نکرده باشد، به جهت جهل به موضوع، سوء نیت عام مخدوش خواهد بود. به عنوان مثال فردی که به مرکز تعمیرات اتومبیلی که خود را رسمی جازده مراجعه و وسیله نقلیه خود را مورد چکاپ قرار دهد و صرفاً به وی گزارشی را که در-عرف تعمیرکاران مرسوم است داده شود؛ به نحوی که وی چنین تصور می‌کرده که گزارش مزبور گواهی رسمی است، جرم به جهت جهل به ارکان ضروری بزه محقق نخواهد شد. البته چنان‌چه چنین جهلی در مقام جهل حکمی مطرح گردد پذیرفته نخواهد شد؛ چندان که راننده چنین ادعا کند که از ریشه نمی‌دانسته که چنین اجازه‌ای را می‌بایست دریافت می‌کرده یا از ریشه نمی‌دانسته که تردد با وسایل نقلیه موتوری به صورت غیرمجاز، غیرقانونی و جرم می‌باشد.

آگاهی^۱ است که شخص مزبور قابل مجازات شناخته شده است و این نکته ظریفی است که پاره ای از نویسندگان حقوقی بدان توجه نداشته و جرم مزبور و سایر جرایم زیست محیطی از این دست را به صرف عدم تصریح قانون‌گذار به عامدانه بودن آن، در زمره جرایم فاقد تقصیر یا مسئولیت مطلق دانسته اند که چنین استدلالی به ویژه با عنایت به اصل عمدی بودن جرایم و مجازات‌ها درست به نظر نرسیده و با طبیعت چنین جرایمی نیز ناسازگار است، چندان که حتی در نظام حقوقی ایالات متحده نیز مسئولیت مطلق امری استثنایی بوده و تحت وجود شرایط و معیارهای خاصی مقرر گردیده است.^۲

مبانی فقهی حقوق اسلامی

البته در رابطه با عنصر معنوی جرایم زیست محیطی در قوانین ایران، بدهی است که چنین تفکیکی از حالات - ذهنی مرتکب در دسترس نبوده و همچون دیدگاه سنتی کامن‌لا، عمد اعم از علم بوده و درواقع عمد، علم را (بر اساس تعریفی که از عنصر آگاهی کردیم) نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس در حقوق ایران (در جرایم مقیدی که مستلزم به بارآوردن عمدی نتیجه خاص هستند) اعم از این که مرتکب، گرایش و تمایل به تحقق نتیجه‌ای خاص داشته یا اینکه صرفاً از عملاً قطعی بودن نتیجه آگاه باشد، در هر صورت عامد محسوب خواهد بود. در جرایم مطلق نیز خواه **هدف** خود آگاه مرتکب ارتکاب رفتاری با این ماهیت باشد و خواه **بداند** که رفتار وی دارای چنین ماهیتی است (البته به شرط ارتکاب رفتار مجرمانه با عمد عام و آگاهی از تمامی ارکان اساسی جرم که لازمه چنین سوء نیتی است) در هر صورت عامدانه رفتار کرده است. قابل ذکر است که در حقوق ایران اکثر جرایم زیست محیطی (با توضیحاتی که خواهیم داد) به صورت عمدی و در موارد محدودی نیز به صورت غیر عمدی قابل ارتکاب است. درواقع قانون‌گذار ایران در غالب جرایم زیست محیطی اعم از جرایم محیط زیستی مندرج در قانون مجازات اسلامی و نیز سایر جرایم خاص زیست محیطی، تنها عنصر عمد را ضروری دانسته است. البته باید به این نکته توجه داشت که، قانونگذار در تعدادی از جرایم مرتبط با محیط زیست از عباراتی استفاده کرده است که دلالت بر عمد دارد مثل استفاده از واژه "عمد" در تبصره ۱ بند ۱ ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ که در رابطه با ایجاد آتش سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی است یا ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی که از "واژه عمد و بدون ضرورت" استفاده کرده است. اما در غالب جرایم زیست محیطی به هیچ واژه‌ای که دلالت بر قصد مرتکب باشد اشاره نشده است.^۳ به عنوان مثال به موجب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی - هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها..... ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس تا یک سال محکوم خواهد شد. یا به موجب بند د ماده ۱۲ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۶۴/۳/۱۶ آلوده نمودن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبشخورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود جرم بوده و مرتکب به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال و یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال محکوم می‌شود. یا به موجب بند ج ماده ۱۳ همین قانون، شکار، صید و یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصر دسته جمعی، جرم بوده و مرتکبین به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار

۲- درواقع بر جسته ترین رکن از ارکان عنصر معنوی در چنین جرمی عنصر آگاهی نسبت به ارکان اصلی جرم به عنوان جزئی از اجزاء سوء نیت عام می باشد.

۳- جهت آشنایی با نظرات مشابه در این رابطه رجوع کنید به (قاسمی، ناصر، ۱۳۹۱)؛ و نیز نگاه کنید به (موسوی مقدم، محمد، ۱۳۸۹)؛ همچنین جهت اطلاعات بیشتر در زمینه مطالعه تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق داخلی با نظام کامن‌لا (و نظرات مشابه) رجوع کنید به: (شاهچراغ، سید-حمید، ۱۳۹۱).

۱- چندان که نویسندگان دیگری (قاسمی، ناصر، پیشین، ۱۳۹۱) نیز به این امر اشاره نموده‌اند.

به هر دو مجازات محکوم می‌شوند. و یا به موجب ماده ۱۳ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آن‌ها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع و جرم می‌باشد. چنان چه در مواد فوق الذکر، قانون گذار اشاره‌ای به عنصر معنوی اعم از عمد (مانند عامدانه و آگاهانه) یا غیر عمد (مانند استفاده از عباراتی همچون بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی) نکرده است. حال سئوالی که پیش می‌آید این است که در صورت عدم ذکر عنصر معنوی لازم در جرایم مزبور و سایر جرایم زیست محیطی از این دست توسط قانون گذار، جهت محقق دانستن رفتارهای پیش‌بینی شده در چنین موادی چه عنصر معنوی اعم از عمد یا غیر عمد لازم خواهد بود. درواقع آیا در صورت سکوت قانون گذار، این جرایم در دسته جرایم عمدی به حساب می‌آیند یا غیر عمدی و حتی آیا در صورت چنین سکوتی می‌توان قائل به مسئولیت مطلق یا فاقد تقصیر بود. در پاسخ به این سؤال متذکر می‌گردد که (در حقوق ایران) در صورت سکوت قانون گذار در بیان عنصر معنوی لازم، بعید است که بتوان وضعیت ذهنی غیر عمد و نیز مسئولیت سخت (مطلق) را برای تحقق این گونه جرایم در نظر گرفت، چرا که اصل بر عمدی بودن جرایم بوده و ارتکاب جرایم با وضعیت ذهنی غیر عمدی (اعم از بی‌احتیاطی و بی-مبالاتی) امری استثنایی محسوب است، پس در نتیجه، مرتکب می‌بایست در این گونه جرایم واجد عنصر معنوی عمد بوده و عامدانه و آگاهانه رفتار کرده باشد. وانگهی با توجه به مطالب بیان شده می‌بایست جرایم مزبور را از جمله جرایم عمدی در نظر گرفت نه غیر عمدی و می‌بایست قائل به این بود که در حقوق ایران اکثر جرایم زیست محیطی از دسته جرایم عمدی است و نه غیر عمدی^۱، البته قانونگذار ایران همچون قانون گذار فدرال در پاره‌ای از جرایم زیست محیطی وضعیت ذهنی غیر عمد را نیز در کنار وضعیت ذهنی عمدی در نظر گرفته است. به عنوان مثال تحت بنده ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ در صورت ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش سوزی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده یا پناهگاه‌های حیات وحش بر اثر بی‌مبالاتی یا عدم رعایت مقررات محیط زیست و یا تخلف از نظامات دولتی، مرتکب به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. البته مطابق تبصره ۱ بند مزبور در صورت آتش سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی، مرتکب به مجازات مقرر در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی (حبس از دو تا ۵ سال) محکوم خواهد شد.

نتیجه گیری

با بررسی رکن معنوی مورد نیاز جهت تحقق سوء رفتارهای زیست محیطی پیش بینی شده تحت قوانین گوناگون مرتبط با حوزه محیط زیست در کد ایالات متحده از جانب قانون گذار فدرال و قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین خاص زیست محیطی در حقوق ایران می‌توان به این نتیجه دست یافت که اولاً: پیش‌بینی و تفکیک سطوح و حالات ذهنی گوناگون (اعم از وضعیت ذهنی بی‌مبالات، مسئولیت مطلق و فاقد تقصیر، به خطراندازی آگاهانه و به ویژه وضعیت ذهنی آگاهانه) و به تبع آن تفکیک و تجویز مجازات متناسب با چنین حالات ذهنی هم راستای اصول حقوقی و ملاحظات کیفرشناختی بوده و با طبیعت و ماهیت سوء رفتارهای زیست محیطی کاملاً منطبق است. ثانیاً: با عنایت

۱ - جهت آشنایی با نظرات مشابه در این رابطه رجوع کنید به (شاهچراغ، سیدحمید، پیشین ۱۳۹۱) همچنین رجوع کنید به (قاسمی، ناصر. پیشین. ۱۳۹۱) و نیز نگاه کنید به (موسوی مقدم، محمد. پیشین ۱۳۸۹)

به حالت به خطراندازی آگاهانه که به موجب آن شخص خاطی در چنین وضعیتی آگاهانه با ارتکاب سوء رفتارهای زیست محیطی شخص دیگری را در معرض خطر و ریسک جدی قرار می‌دهد، در این جا قانون‌گذار فدرال (عکس نظام کیفری ایران) به خطر و ریسکی که از رفتار آگاهانه مرتکب بروز خواهد نمود توجه ویژه داشته و برای آن مجازات بسیار شدیدی وضع نموده است (مسئله ای که قانون‌گذار ایران و با عنایت به خطر شدیدی که از پاره ای از سوء رفتارهای آگاهانه زیست محیطی بروز نموده به نحوی که از رفتار مزبور شخص دیگری در معرض خطر قریب الوقوع مرگ یا آسیب جدی بدنی قرارگیرد توجهی نداشته است). در حقوق ایران نیز تحقق جرایم زیست محیطی مستلزم دو وضعیت ذهنی عمد و در پاره ای موارد غیر عمد بوده و در مواردی که قانون‌گذار در تعیین وضعیت ذهنی لازم جهت تحقق چنین جرایمی از هیچ عنوانی که دال بر حالات ذهنی آن باشد (عناوینی همچون عامدانه و آگاهانه یا بی احتیاطی یا بی مبالاتی) استفاده ننموده است با عنایت بر اصل عمدی بودن جرایم، صرف سکوت قانون‌گذار را نمی‌توان حمل بر غیر عمد و یا حتی مسئولیت مطلق دانست و لذا در حقوق ایران می‌بایست قائل به این امر بود که اکثر جرایم زیست محیطی جهت تحقق نیازمند وضعیت ذهنی عامدانه می‌باشند. و لذا با الهام از راهبرد های کیفری سوء رفتارهای زیست محیطی در نظام کیفری ایالات متحده و اعمال آن در نظام کیفری ایران اولاً: اجرای مسئولیت فاقد تقصیر و سایر راهبردهای متضمن فرسایش رکن معنوی لازم در تحقق چنین جرایمی ممکن است بنا بر استدلال‌های پاره‌ای از صاحب نظران و سیاست‌گذاران کیفری به محطاط تر نمودن جامعه تنظیم شده سوق نموده و این درحالی است که به نظر منتقدین آن، اعمال چنین راهبردی ممکن است سبب فرسایش خصیصه اخلاقی جرم، بی فایده‌گی، ناعدالتی و نافرمانی جامعه تنظیم شده، خلط مباحث مدنی و کیفری و افزایش آمار نرخ جرایم زیست محیطی تحلیل گردد. درواقع هماهنگ‌سازی حوزه‌های نظارتی و مدیریتی (سیاست‌های زیست محیطی) و کیفری مرتبط با محیط زیست دشوار بوده و همانند **"یک شمشیر دولبه است"**؛ چندان که از یک سوی ممکن است بنابر ملاحظات تجربی و قضایی صورت گرفته؛ تابعان چنین قوانینی رکن مزبور را خلاف عدالت و انصاف دانسته و حتی نسبت به آن در دادگاه‌های عالی قضایی (تجدید نظر) اعتراض و کمتر به آن اعتناء و تمکین نموده و به آن وقع نمایند؛ و از سویی دیگر و باز هم به لحاظ تجربی و میدانی چنین فرسایشی ممکن است اثربخشی کنترل جرم سیستمی را که بر اساس بازدارندگی عمومی ساخته شده است را افزایش دهد؛ لذا ورود و استفاده از این راهبرد در نظام کیفری ایران باید به صورت کاملاً تجربی و میدانی و با دیدی باز توسط سیاست‌گذاران حوزه محیط زیست مورد توجه قرار گیرد و لذا این مقاله به مثابه چراغ راهی برای پژوهش‌های آتی (حتی رساله‌های دکتری) است که به صورت کاربردی پیوند سوق حقوق جزای سنتی را با سیاست‌های مدیریتی و نظارتی_احتیاطی زیست محیطی (سیاست‌های افتراقی) که خود ناشی از ماهیت تأثیرات بلند مدت، تجمیعی، احتمالی و سختی در اثبات رابطه سببیت و ... در احراز سوء رفتارهای زیست محیطی است، در نظر گرفته و به صورت تجربی (روانشناختی، اجتماعی و حتی فرهنگی و صنفی یا فراگیر و توجه به هزینه های کنترل جرم) با در نظر گرفتن زمینه خاص و ماهیت جرایم زیست محیطی راهی جهت پیوند آن و یا برآورد اهداف آن **"در صورت امکان"** با راهبردهای جایگزین در حقوق مدنی و نه کیفری (مجازات‌های مدنی^۱ و خسارات تنبیهی^۲ و یا توسل به سیاست‌های جایگزین تشویقی و نه تنبیهی و غیره... که در عین عدم تضعیف انگ اجتماعی مرتبط با یک سوء رفتار مجرمانه زیست محیطی در بین تابعان، بازدارندگی آن را نیز تقویت نموده) تعیین نمایند.

¹ - civil penalty

² - Punitive damages

واین، آرفیو. (۱۳۹۰). عنصر معنوی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا. برگردان فاطمه موسوی خوشدل. تهران: میزان

یزدیان جعفری، جعفر. ۱۳۸۷. اصل تناسب جرم و مجازات؛ چرایی و چگونگی آن. نامه مفید. شماره ۶۷

قاسمی، ناصر. ۱۳۹۱. حقوق کیفری محیط زیست، چاپ اول (ویرایش سوم)، تهران: خرسندی

موسوی مقدم، محمد. ۱۳۸۹. حقوق کیفری محیط زیست - ضابطان پسماندها، چاپ اول، قم: حقوق امروز

شاهچراغ، سیدحمید، ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا، حقوقی دادگستری، شماره ۷۸

اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.

عالی پور، حسن. ۱۳۹۳. «حقوق کیفری فناوری اطلاعات»، چاپ دوم، تهران: خرسندی

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: دانشگاه تهران

نوربها، رضا. (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش.

Yount, Joshua D. "The Rule of Lenity and Environmental Crime," University of Chicago Legal Forum: Vol. 1997: Iss. 1, Article 23

John Kaplan, Robert Weisberg, Guyora Binder , Criminal Law - Cases and Materials, 7th ed. 2012, (Wolters Kluwer Law & Business)

Robinson, Paul H., Strict Liability's Criminogenic Effect (January 2, 2017). Criminal Law and Philosophy, Forthcoming, U of Penn Law School, Public Law Research Paper No. 17-5, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2894455>

Christopher L. Bell , Environmental Law Handbook ,2014 , (22nd Edition) , Published by Bernan Press, Printed in the United States of America.

Luis E. Chiesa, Mens Rea in Comparative Perspective , 102 Marq. L. Rev. 575 (2018). Available at: https://digitalcommons.law.buffalo.edu/journal_articles/943 -

Wechsler, H. (1962). On Culpability and Crime: The Treatment of Mens Rea in the Model Penal Code. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 339(1), 24-41.

Wong, A. H. L. (2024). Justifications for Imposing Strict and Absolute Criminal Liability, and the Case for a Halfway House Defence. The Journal of Criminal Law, 88(5-6), 358-373.

Scott England, Default Culpability Requirements: The Model Penal Code and Beyond, 99 Oregon Law Review 43 (2020).

Sampsell-Jones, Ted (2013) "Mens Rea in Minnesota and the Model Penal Code," William Mitchell Law Review: Vol. 39: Iss. 5, Article 2.

MICHAEL SEROTA , STRICT LIABILITY ABOLITION , NEW YORK UNIVERSITY LAW REVIEW , [Vol. 98:112 , April 2023] ,

A Saltzman STRICT CRIMINAL LIABILITY AND THE UNITED STATES CONSTITUTION - SUBSTANTIVE CRIMINAL LAW DUE PROCESS , Wayne Law Review Volume: 24 Issue: 5 Dated: (SEPTEMBER 1978)

Kalyani Robbins, Paved With Good Intentions: The Fate of Strict Liability under the Migratory Bird Treaty Act , 42 Env'tl. L. 579 (2012).

Berry III, William W., Mandatory Sentences as Strict Liability (February 26, 2023). Washington and Lee Law Review, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4371466>

Kathleen F. Brickey , Environmental Crime: Law, Policy, Prosecution , 2008, Aspen Publishers; 4th edition

Weidel, Ruth , Mayo, John & Zachara, F. (1991) "The Erosion of Mens REA in Environmental Criminal Prosecutions," Seton Hall Law Review: Vol. 21 : Iss. 4 , Article 7.

Anna Alberini and David Austin , Strict Liability as a Deterrent in Toxic Waste Management: Empirical Evidence from Accident and Spill Data , Journal of Environmental Economics and Management, 1999, vol. 38, issue 1, 20-48 ,

PAUL J. LARKIN, JR , STRICT LIABILITY OFFENSES, INCARCERATION, AND THE CRUEL AND UNUSUAL PUNISHMENTS CLAUSE , Harvard Journal of Law & Public Policy , [Vol. 37 , No. 3]

Philip H. Hilder and Paul L. Creech . THE MIGRATORY BIRD TREATY ACT OF 1918 AND THE CRIMINAL LIABILITY OF

POLLUTERS. hilder associates, p.c. attorneys at law , Available at:- <https://www.hilderlaw.com/> , 2/6/2023.

Richard J. Lazarus, Mens Rea in Environmental Criminal Law: Reading Supreme Court Tea Leaves, 7 Fordham Env'tl. L. Rev. 861 (2011).

Kristina Alexander (Legislative Attorney) .2010 .The 2010 Oil Spill: Criminal Liability Under Wildlife . Congressional Research Service .page 5

Cary R. Perlman.(2009). Environmental Litigation: Law and Strategy. U.S.A: American Bar Association.

https://www.law.cornell.edu/wex/respndeat_superior (2024 , september 16)

http://nationalparalegal.edu/public_documents/courseware_asp_files/criminalLaw/basicElements/ModelPenalCodeMensRea.asp .(2024, september 15)

<http://www.legalmatch.com/law-library/article/criminal-negligence-laws.html> (2024, september 21)

<http://www.legalmatch.com/law-library/article/strict-liability-crimes.html> (2024, september 23)

José Ignacio Destéfánis , Should Criminal Law Only Prevent Risks? On Strict Liability , FACULTY OF LAW BLOGS , UNIVERSITY OF OXFORD , <https://blogs.law.ox.ac.uk/centre-criminology-blog/blog-post/2024/03/should-criminal-law-only-prevent-risks-strict-liability> 8 March 2024) <https://www.justice.gov/atr/case/us-v-time-dc-inc> , (16/2/2024)

law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/381/730/2006021/ (16/2//2024)

<https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/716/1341/2345106/> (16/2/2024)

lambert v. California, 355 U.S.255, 78 s.ct. 240, 2 L.Ed.2d 288 (1957)

United States v. T.I.M.E.-D.C., Inc.

United States v. Bank of New England, N.A.,

United States v. Pacific Hide & Fur Depot, Inc. see in <https://www.quimbee.com/cases/united-states-v-pacific-hide-fur-depot-inc>

the Court of Appeals for the Ninth Circuit in United States v. Jewell , 532 F.2d 697 (9th Cir. 1976), cert. denied, 426 U.S. 951 (1976).

۴۷۸

Pharmaceutical Society of Great Britain v Storkwain [1986] UKHL 13, [1986] 2 All ER 635

The Ninth Circuit, in United States v. Weitzenhoff ,35 F.3d 1275 (9th Cir. 1993).

United States v. Hopkins, 53 F.3d 533 (2d Cir. 1995)

United States v. IMC Shipping Co. Pte. Ltd., No. 3:07-CR-00096-RPB (D. Alaska aug . 22 ,2007)

United States v. Ahmad, 101 F.3d 386 (5th Cir. 1996)

the Toxic Substances Control Act (TSCA).

Currency Transaction Reporting Act.

33.USC.1319.c

33.USC.1321.b.3

33.USC.1411

33.USC.1415

16.USC.707.a

16.USC.703

33.USC.1319.(C).(1).(b)&(2).(b)

42.USC.7413..(C).(5)

42.USC.11002.(a).(2)

42.USC.6928.(d).(1) until (7)

42.USC.6928.e

مبانی قضی حقوق اسلامی